

تخیر عمدة الطالب

معروف به
«مشجر ابو جمیل»

تألیف: علامہ نواب محمود بن علی الشکرم معروف به ابو جمیل

از دانشمندان سده دهم هجری

تحقیق سید محمد رفیعی



برکی از کتاب **تخیر عمدة الطالب** تألیف محمد بن علی الشکرم معروف به ابو جمیل از نسب شامیان سده ۱۰ هجری از تفهیم مروج الاثر سده ۱۰ هجری

تشجير عمدة الطالب
المعروف بـ بـ بمشجر أبو جميل
تأليف :

محمود بن علي المنكدم المعروف بأبي جميل
القرن العاشر الهجري

عمدة الطالب في نسب آل أبي طالب
تأليف أحمد بن علي بن عتبة
[توفي ٨٢٨ هـ]

تحقيق سيد مهدي رجائي
قم المكتبة الكبرى لحضرة آية الله العظمى
المرعشي النجفي، مركز الأنساب

تسخیر عمدة الطالب

معروف بہ
«مشجر ابو جمیل»

تألیف:

علامہ نسابہ محمود بن علی الشکرم معروف بہ «ابو جمیل»

از دانشندان مدفونہ مجسمہ

جمعہ داری اموال

مرکز تحقیقات کامپیوٹری علوم اسلامی

۵۸۳۴۵

ش-اموال

تحتق
سید محمدی رجائی

سرشناسه	ایرجیل محمود بن علی ، قرن ۱۰هـ.
عنوان اثر خطی	عمدة الطالب فی الحساب آل ای طالب .
عنوان و نام پدید آور	تشییر عمدة الطالب معروف به مشیر ایرجیل / تألیف محمود بن علی التکدم معروف به ایرجیل ، تحقیق سید مهدی رجایی .
مشخصات نشر	قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، گنجینه جهانی خطوط اسلامی، ۱۳۷۹ق. ۲۰۰۸م. = ۱۳۸۶ش.
فرم و سند	کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی - مرکز پژوهشهای
شابک	978-964-8179-46-0
وضعیت فهرست نویسی	نیا
واحدانت	کتاب حاضر در دستمای بر اساس "عمدة الطالب فی الحساب آل ای طالب" از ابن عتبه است.
عنوان دیگر	مشیر ایرجیل
عنوان دیگر	عمدة الطالب فی الحساب آل ای طالب.
موضوع	آل ایر طالب - - نسب نامه - - متون قدیمی تا قرن ۱۲.
موضوع	آل ایر طالب - - سرگذشت نامه
موضوع	سابات (خانواده) - - نسب نامه .
موضوع	ابن عتبه ، احمد بن علی ، ۷۲۱-۸۲۵ق. عمدة الطالب فی الحساب آل ای طالب.
موضوع	نسب شناسی .
شماره افزوده	رجایی ، سید مهدی ، ۱۳۳۶ق. - -
شماره افزوده	ابن عتبه ، احمد بن علی ، ۷۲۱-۸۲۵ق. عمدة الطالب فی الحساب آل ای طالب.
شماره افزوده	کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ردا) گنجینه جهانی خطوط اسلامی.
رده بندی کنگره	۱۳۸۶ ق/۲۷۲-۲۷۳
رده بندی دیویی	۲۹۲/۹۵
شماره کتابشناسی ملی	۱۱۷۲۸۲۰



تشییر عمدة الطالب معروف به مشیر ایرجیل

مؤلف : علامه شایب محمود بن علی التکدم معروف به ایرجیل (عمدة دهم میری)

محقق : سید مهدی رجایی موسوی

تألیف : کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ردا)

- گنجینه جهانی خطوط اسلامی - قم «مرکز پژوهشهای»

تعداد کتان : ۱۰۰۰ نسخه

نشر گران : نیز خوش

چاپ : ستاره - قم

نوبت چاپ : اول ، ۱۳۸۶ش/ ۱۳۷۹ق/ ۲۰۰۸م

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۱۷۹-۴۶-۰

ISBN:978_964_8179_46_0

AYATOLLAH MAR'ASHI NAJAFI ST., Qom 37157, I.R.IRAN

TEL: + 98 251 7741970-76; FAX +98 251 7743637

[http:// www.marashilibrary.com](http://www.marashilibrary.com)

[http:// www.marashilibrary.net](http://www.marashilibrary.net)

[http:// www.marashilibrary.org](http://www.marashilibrary.org)

E_mail: info@marashilibrary.org

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على محمد وآله الطيبين الطاهرين
المعصومين، ولعنة الله على أعدائهم أجمعين إلى يوم الدين.

پیرامون کتاب :

پدید آورنده این کتاب علامه نسابه محمود بن علی المنکدم می باشد.
با مراجعه به کتب انساب و تراجم تا کنون هویت مؤلف مشخص نگردیده.
آنچه مسلم است ایشان از دانشمندان گمنام سده دهم هجری، و هم عصر با
صاحب کتاب سراج الأنساب ابن کیا گیلانی می باشد.
این کتاب در حقیقت چنان چه مؤلف بدان اشاره نموده است تشجیر کتاب
عمده الطالب علامه نسابه جمال الدین احمد بن علی معروف بابن عنبه داودی
حسنی، متوفای سنة (۸۲۸) هجری قمری می باشد.

البته مؤلف محترم زیاداتی بر کتاب عمده دارد، و تا عصر خود را مخصوصاً
آنچه مربوط به خاندان مختاریها و غیره بوده درج نموده، و تفصیل نسب پیامبر
گرامی اسلام ﷺ تا حضرت آدم ابوالبشر را آورده است.

این کتاب پس از تألیف آن شهرت به مشجر ابو جمیل گردیده، و مورد توجه
نسابه های عصر خود و پس از آن قرار گرفته، تا کنون سه نسخه بسیار ارزشمند
از این کتاب به دست این جانب رسیده :

یک: نسخه مربوط به یک خاندان ساکن اصفهان می باشد، نسخه بسیار نفیس

و ارزشمند می باشد، وقف نامه که در پایان آن آمده، پس از این در باره آن مطالبی گفته می شود.

دو نسخه دیگر متعلق به کتابخانه بزرگ مرحوم حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره می باشد، و یکی از این نسخه ها از روی نسخه اصفهان نگاشته شده بدون هیچ گونه دخل و تصرف، و نسخه دیگر بسیار نفیس و ارزشمند و گرانسنگ و قدیمی می باشد، و عناوین آن با خط بسیار زیبا نگاشته شده است.

متن این کتاب که در روبروی خود دارید، همان اصل نسخه اصفهان می باشد، که با دو نسخه دیگر مقابله شده، در مواردی نسخه اصفهان تصحیح و باز نویسی شده، سعی شده متن کتاب به همان صورت تشجیر که مورد نظر مؤلف کتاب بوده محفوظ بماند، موارد نا چیزی تصحیح و باز نویسی شده، موارد دیگر چون قابل تصرف در متن کتاب نبود، به صورت غلط انشایی در متن مشاهده می شود، که تصحیح آن به خوانندگان عزیز واگذار می شود.

نکته قابل توجه :

در پایان نسخه اصفهان و نسخه دیگر که از روی همان نسخه نوشته شده، چنین آمده است: بسم الله الرحمن الرحیم، بعد الحمد والصلاة، باعث بر تحریر و تسطیر این، آن که چون در سلسله علیه سادات با سعادات مختاریه حسینییه، در هر زمان شخصی بوده عالم به انساب سادات با سعادات، که جمیع سادات تصحیح نسب از ایشان می نموده اند.

مثل السيد العالم الكامل النسابه، سید نظام الدین حسن، صاحب کتاب خلاصة الأنساب.

و سید الفاضل سید قاسم النسابة، صاحب کتاب زبدة الأنساب .
و سید التحریر النسابة سید غیاث الدین ابراهیم، صاحب کتاب مصباح
الأنساب .

تا آن که نوبت به این فقیر رسیده، و الحال چون شیخوخه و پیری و ضعف این
فقیر را دریافته، و می خواست که هر یک از سادات عالی الدرجات که در هر
بلاد باشند تصحیح نسب خود را از این سلسله علیه نگردند، لهذا فقیر محمّدامین
النقیب بن شاه حسین بن شمس الدین علی سلطان المختاری الحسینی، حاکم دار
المؤمنین سبزوار، بعد از آن که عالی حضرت سلاله السادات و النجباء علامة
العلماء میر روح الامین بن شمس الدین محمّد بن سید رضا بن سید محمّد بن سید
مهدی بن سید تاج الدین علی بن شمس الدین علی اکبر بن ناصر الدین احمد بن
شرف الدین محمّد بن شمس الدین علی نقیب النقباء خراسان و عراق عرب که
نسب شریفش منتهی به حسین الأصغر ابن الامام زین العابدین علی بن
الحسین علیه السلام می شود، چنان چه در این کتاب و سائر کتب انساب مذکور و
مضبوط است .

و سید مزبور - اعنی شمس الدین علی - در زمان سلطنت تیمور کورگان از
نجف اشرف به خراسان آمده، و باز در آن اوان بازگشت به نجف اشرف نمود، و
چون نوبت سلطنت به شاهرخ میرزا رسیده، دیگر بار رجوع به خراسان نموده
در دار المؤمنین سبزوار مسکن نمود، به شرحی که در هر یک از کتب انساب و
تواریخ و سیر مذکور و مضبوط است، وارد سبزوار شده، و از بنی اعمام حقیر
بوده، و در این سلسله اعلم و افضل از مشار الیه در علم انساب و سایر علوم
نبود .

لهذا این کتاب که مستقی به مشجر ابوجمیل النسابة است، و در نهایت اعتبار و اعتماد است، وقف بر عالی حضرت مشار الیه نمودم، و بعد از او بر اعلم اولاد او متعاقباً، که هر گاه یکی از سادات در هر بلدی از بلاد باشند و اراده تصحیح نسب خود کما کان داشته، به خدمت معظم الیه رجوع نمایند، و زیاده از سه ماه به عاریت ندهند، و صیغه شرعیه گفته شد، فمن بذله بعد ما سمعه فإثما إثمه علی الذین یبدلونه. در پایان مهر واقف آمده است.

جا دارد پیرامون این وقفنامه چندین نکته را متذکر شوم:

۱- سادات عیدلیه مختاریه حسینیّه چندین سال سر سلسله امر نقابت سادات را داشته‌اند، و در هر زمان دانشمندی تبار شناس از این خاندان متصدی امر نقابت و تصحیح نسب سادات بوده‌اند.

۲- سید نظام الدین حسن صاحب کتاب خلاصه الأنساب، نسب ایشان چنین است: سید نقیب معظم مکرم نظام الدین حسن بن جلال الدین ابراهیم بن شمس الدین علی بن عبدالمطلب بن جلال الدین ابونصر ابراهیم بن عمیدالدین عبدالمطلب بن شمس الدین علی بن تاج الدین حسن بن شمس الدین علی بن عمیدالدین ابوجعفر محمد بن ابونزار عدنان بن عبدالله بن ابوعلی المختار بن ابو علاء مسلم الأحول بن ابوعلی محمد بن ابو محمد الأشر بن عیدالله الثالث بن علی بن عیدالله الثانی بن علی الصالح بن عیدالله الأعرج بن حسین الأصغر بن امام زین العابدین علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب.

نام کتاب خلاصه الأنساب ایشان، در کتب تراجم و منابع نسبی نیامده، امیدوارم با تفحصی که در کتب انساب دارم به این کتاب و امثال آن دسترسی پیدا کنم، و در دسترس علاقه‌مندان قرار دهم.

۳ - سید قاسم نسابه صاحب کتاب زبدة الأنساب، ایشان فرزند نظام الدین حسن سابق الذکر می باشد، و صاحب رساله اسديه در نسب سادات مرعشيه که به چاپ رسيده است، اين همان است که مرحوم سید احمد بن محمد کياء گیلانی کتاب سراج الأنساب را به درخواست ایشان تألیف نموده، این کتاب به تحقیق این جانب چاپ و منتشر شده است.

نام کتاب زبدة الأنساب ایشان، و همچنین نام کتاب مصباح الأنساب میر غیاث الدین ابراهیم عیدلی، در کتب تراجم و منابع نسبی نیامده، متأسفانه آثار ارزشمند شیعه در طول تاریخ دست خوش حوادث و اهمال کاری نگه دارندگان آنها شده، و یا در کتابخانه های شخصی اشخاص و طیفه شناس در بدترین وضع دور از دسترس علاقه مندان نگه داری می شود.

۴ - نسب نقیب محمدامین حاکم سبزوار از این قرار است: محمدامین بن شاه حسین بن شمس الدین علی بن جلال الدین قاسم بن شمس الدین علی بن شرف الدین محمد بن شمس الدین علی بن عبدالمطلب بن جلال الدین ابونصر ابراهیم بن عمیدالدین عبدالمطلب بن شمس الدین علی بن تاج الدین حسن بن شمس الدین علی بن عمیدالدین ابوجعفر محمد بن ابونزار عدنان بن عبدالله بن ابوعلی المختار بن ابو علاء مسلم الأحول بن ابوعلی محمد بن ابو محمد الأشتر بن عیدالله الثالث بن علی بن عیدالله الثاني بن علی الصالح بن عیدالله الأعرج بن حسین الأصغر بن امام زین العابدین علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب.

مرحوم این کياء گیلانی صاحب کتاب سراج الأنساب در حاشیه «منه» در کتاب سراج از ایشان تعبیر به: میرزا محمدامین نسابه نقیب خراسان، نموده است.

۵ - نسب سید میر روح الامین نائینی چنین است: امیر روح الامین بن

شمس‌الدین محمد بن الرضا^(۱) بن محمد بن مهدی بن تاج‌الدین علی بن
شمس‌الدین علی اکبر بن ناصر‌الدین احمد بن شرف‌الدین محمد بن شمس‌الدین
علی بن عبدالمطلب بن جلال‌الدین ابونصر ابراهیم بن عمیدالدین عبدالمطلب بن
شمس‌الدین علی بن تاج‌الدین حسن بن شمس‌الدین علی بن عمیدالدین
ابو جعفر محمد بن ابوزار عدنان بن عبدالله بن ابوعلی المحتار بن ابو علاء مسلم
الأحول بن ابوعلی محمد بن ابو محمد الأستر بن عیدالله الثالث بن علی بن
عیدالله الثانی بن علی الصالح بن عیدالله الأعرج بن حسین الأصغر بن امام
زین‌العابدین علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب

مرحوم علامه افندی صاحب کتاب ریاض العلماء در باره ایشان چنین
مرقوم داشته، الأمير روح الامین الثانی، صالح معاصر واعظه، کان من أئمة
الجماعة بمسجد الجامع العتاسي باصبهان، وقد توفي في هذه الأعصار^(۲).

۶- شمس‌الدین علی که در زمان سلطنت تیمور کورگان از نجف اشرف به
خراسان آمده، شرح حالی از ایشان در همین کتاب خواهد آمد، و مرحوم ابن
کیاء گیلانی صاحب کتاب سراج الأنساب داستانی در عظمت این سید بزرگوار
نقل نموده، در پایان می‌فرماید: سید در خراسان روز به روز تعظیم و جلالت
زیاده می‌شد، و در بلدة سبزوار در سنة ستة وثلاثين وثمانمائه وفات یافت، و در
آن بلدة مدفون است^(۳).

(۱) در بعض تراجم نسبی: عبدالرضا

(۲) ریاض العلماء ۲-۳۱۷-۳۱۸

(۳) سراج الأنساب ص ۱۵۰.

۷- واقف این کتاب که خود از نسابه‌های معروف و مشهور زمان خود بوده، و همچنین نقابت سادات داشته، این کتاب را مورد تأیید قرار داده، در باره صحت این کتاب چنین من نگارد؛ این کتاب که مسمی به مشجر ابو جمیل النسابه است، و در نهایت اعتبار و اعتماد است.

گرچه هویت مؤلف کتاب تا کنون برای این جانب معلوم نگردیده، اما این تأیید و مهر امضا از این شخصیت بزرگ برای اعتبار این کتاب کافی می‌باشد امیدوارم در آینده معلوماتی راجع به مؤلف کتاب پیدا کنم، و در دسترس علاقه‌مندان قرار دهم.

در پایان جا دارد از دانشمند محترم جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمود مرعشی، فرزند برومند و سخت‌کوش مرحوم حضرت آية الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره، کمال تقدیر و تشکر داشته باشم، که این کتاب و امثال آن را در دسترس این جانب قرار داده، تا در لیست نشر سلسله آثار سببی کتابخانه بزرگ والد معظم ایشان قرار دهم، و مورد استفاده پژوهشگران و دانشوران قرار گیرد.

تا کنون بحمد الله آثار بسیار ارزشمند سببی به اهتمام ایشان و تحقیق این جانب چاپ و منتشر گردیده است، امیدوارم این همت والای ایشان مورد عنایت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام قرار گیرد، و ذخیره قبر و قنات و مایه سربلندی در دنیا و آخرت بوده باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

محرم الحرام سال ۱۴۲۹ هـ ق - قم - سید مهدی رجائی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي خلق من الماء بشراً، فجعله نسباً وصهراً^(١)، ورفع بعض الأنام على بعض^(٢)، فصيره أفخم قدراً، وأحلّ نبيّه محمّداً المختار من شريف النسب في المجد الصراح^(٣)، واصطفاه لليتار^(٤) بمنيف الحسب من سرّ البطاح، وأطلع شمس فخره في أفق العلا، ساطعة الشماع، ووصل حسبه ونسبه يوم القيامة بعدم الانقطاع^(٥)، فهو أكرم البريّة نعتاً وآلاً.

والصلاة والسلام على سيد المرسلين، محمّد وآله أحممين الطيين الطاهرين، وسلّم تسليماً كثيراً كثيراً.

(١) اشاره به آیه «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا» سورة فرقان: ۵۴.

(٢) اشاره به آیه «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ خِلَافًا وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ فِي دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ» سورة انعام: ۱۶۵.

(٣) النصريح الرجل الخالص النسب، وكلّ خالص صريح صحاح

(٤) از وتر به معنی یگانه.

(٥) اشاره به حدیث معروف که از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده: «كُلُّ سَبَبٍ

وَنَسَبٍ يَنْقَطِعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا حَسْبِي وَنَسَبِي» این حدیث به الفاظ دیگر نقل شده، به

کتاب «المعقبون من آل أبي طالب ج ۱ - ۷ - ۱۰» مراجعه شود

سبب تحریر این سطور آن که جناب مرتضی اعظم محنتی اکرم، افتخار السادات والأشراف، منبع السعادات و الألطاف، المرحوم المغفور الواصل إلى رحمة الملك الكريم الرحيم، امیر سید جلال الدین ابراهیم النقیب ابن المرتضی الأعظم والمحتبی الأکرم، سلطان السادات والنفاء، المرحوم المغفور امیر سید شمس الدین علی النقب المختار السّابّه البجفی الحسینی، که نسب شریف ایشان در ما بین نسب عبیدالله الأعرج بن الحسن الأصغر بن زین العابد بن بن الحسین بن علی بن ابی طالب گفته خواهد شد^(۱)

این فقیر ضعیف محمود بن علی المنکدم، که معروف است به ابو جمل، را اسدعا نمود که نسب نامه آل ابی طالب را که مرتضی اعظم محنتی اکرم، قدوة السادات والعلماء، سید جمال الدین احمد عبه الحسینی^(۲)، تصنیف کرده مشجّر

(۱) نسب شریف ایشان از این قرار است: سید ابراهیم بن شمس الدین علی بن عبدالمطلب بن جلال الدین ابونصر ابراهیم بن حمیدالدین عبدالمطلب بن شمس الدین علی بن تاج الدین حسن بن شمس الدین علی بن حمیدالدین ابوجعفر محمد بن ابونزار عدنان بن عبداً بن ابوعلی المختار بن ابوعلاء مسلم الأحمول بن ابوعلی محمد بن ابومحمد الأشتر بن عبداً الثالث بن علی بن عبداً الثاني بن علی الصالح بن عبداً الأعرج بن حسین الأصغر بن امام زین العابدین علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب

(۲) سید احمد جمال الدین بن علی بن حسین بن علی بن مهنا بن عبه الأصغر بن علی عبه الأكبر بن محمد بن یحیی بن عبداً بن محمد بن یحیی بن محمد بن داود الأمیر بن موسی الثاني بن عبداً بن موسی الجون بن عبداً المعض بن حسن

سازد، این فقیر آن نسب‌نامه را و جمیع انساب قریش و پدران ایشان را الا آن‌که بزرگان دین در کتابهای طویل^(۱) و در تفسیر قرآن مجید^(۲) ذکر کرده باشند،

۱. منشی بن حسن بن علی بن ابی طالب معروف به ابن عنبه داودی یکی از نشابه‌های مشهور و معروف عصر خود و پس از آن می‌باشد، درای تألیفات ارزنده‌ای در علم انساب به دو لغت عربی و فارسی می‌باشد، مانند کتاب عمدة الطالب کبری و وسطی و صغری به زبان عربی، و کتاب الفصول الفحریه فی أصول البریه، و التحفة الجمالیه به زبان فارسی.

کتاب عمدة الطالب وسطی ایشان مورد توجه شایان تبارشناسان قرار گرفته، و شرحها و حاشیه‌های فراوانی بر او نوشته شده، و یکی از منابع مهم علم انساب قرار گرفته.

این کتاب که در رو بروی خود دارید تنجیر همین کتاب عمدة الطالب وسطی می‌باشد، الله محور این تنجیر بر همین کتاب است، با اضافات فراوان دیگر، چه در انساب و چه در تراجم

کتاب عمدة الطالب به وسیله این جانب محقق و بایست نسخه ارزنده خطی و چاپی مقابله شده، و به وسیله انتشارات کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره چاپ و منتشر گردیده است

(۱) مانند کتابهایی که راجع به قصص انبیاء علیهم السلام نوشته‌اند، مرحوم علامه ملا محمدباقر مجلسی قدس سره در چندین مجلد بحار الأنوار قصص و حکایات انبیاء علیهم السلام را از روایات بی شمار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام گردآوری نموده است

(۲) در ضمن سور و آیات وارده در باره قصص انبیاء سلف علیهم السلام، و موارد آنها در تفاسیر شیعه و عامه فراوان است

ذکر کرده شد

ار این غایت تا زمان آدم صفی علیه الصلاة و السلام، نام ایشان و اولاد ایشان و اعمار ایشان و اعمال ایشان گفته شده، تا همگان را از آن حالات قدیمه تحقیق تمام حاصل شود.

چون جناب سید مشار الیه^(۱) التماس نموده بود، التماس او را مذول داشته، در این مشخّر ذکر خواهد شد، و مطالعه خواهند نمود، و به سمع اکابر و اصاغر روزگار آینده خواهد رسید، و الله اعلم بالصواب، و الیه المرجع و المآب

(۱) مراد امیر سید جلال الدین ابراهیم عبدلی محتاری نقیب

الامير اسد الدين دويش

السيد محمد الدين الأصغر

المختبر

ما در این روزهای غریب و بیاد دور و خوار
مستطعمه‌ها و شهرهای دور و خوار
کوت و در و شهرهای دور و خوار

الاسم محمد بن حاتم خليفه

کے لئے سلطان کو یہ دوا ملا بیارواہ
بجائز رفت و بجائز وفات یافت

بد و لوبا ایضا که بود و لور بیجی بلایدین قیاسا مکر اعا
اورا بیجی خوجود و مغز و مکر دلت اما کلن خود که لور اعا
چون بد و لور اعا خیش و رسول و ستاد و ستاد و ستاد و ستاد
خلاص یافت بهر اوقات و در ملک عازان بنی ارض و سلطان اوقات مکر بد
داد و حرمت بسیار داشت و انعام بسیار کرد و در و لور اعا
داد که لور اعا و لور اعا و لور اعا و لور اعا و لور اعا و لور اعا
مادر و لور اعا و لور اعا و لور اعا و لور اعا و لور اعا و لور اعا
و لور اعا و لور اعا و لور اعا و لور اعا و لور اعا و لور اعا

مادر و پدر و برادر و خواهر و زن و مرد
و در میان آنها همه یکسانند

مجلس

الاسیر ابو عزیر قتاده الیهیکه

امیر قناده الیهیکه

امیر قناده الیهیکه

الحسن قتاده امیر کربک و بعد از وی رفته امیر قناده مدایم حکومت میان اهل مکر و قنادر ای مشرف شد
امیر قنادر بگشت و سرور و انوین و کسب و تجارت و غنای آن شد بعد از آن و سواران و کلاه و زین و سواران و غنای آن شد
خوشت میبوی و داشتند

امیر راج امیر مکر بود بعد از پادشاه خود
حسن بن قتاده مدایم حکومت میان اهل مکر بود
کاسل بر اهل مکر طلب کرد امیر راج او را
بر انداخته بخت کرده میان اهل مکر پادشاه
ابو عبدالحسن بن علی را در حکومت بگذاشت
شوک کردانید و حکومت بعد از آن
ابو سعید را مکر حاکم شد که او بسیار
شجاع و دلیر بود

امیر ابو عزیر قتاده بن ادریس در سنه سبع و تسعین و حمله
ملک حجاز را بشمشیر از هراشم بستاند، و بعضی گفته اند که امیر
قتاده امیر محمد بن مکر بن عیسی قلایه را بگشت و مکر را
از اربست، و عمارت مکر با حالی در حیدان رخت، و او را
به پسر خود، اثناسر العیسی و پدر و مستنصر استدعا نمود که
امیر قناده به عراق رود تا مردم او را به پسر، امیر قناده اجابت
کرد و به حاکم عراق روان شد چون به مشهد شریف مروری رسید
جماعت مردم را دید که پیشوا آمده بودند، شخصی را دید که
شیری را در زنجیر کرده با خود می آورد، مید قناده از آمدن
پشیمان شد و گفت: در رمبی که شیر را در زنجیر می کنند در
آن رمبی نتوان بود، و مردم را وداع کرد و عذر خواست
و پیغامها داد و بارگشت و به مکر آمد

ادریس بن طایف بن عبدالکریم بن الحسین بن ابی عبد الله علیه السلام
 جعفر بن ابی البشر ضحاک امام الحرم

سید عبدالحمید الثقی بن أسامه النسابه روایت کرده است: که به حج رفتم در
 صحبت عدنان بن المختار. شبی به حرم رفتم، دیدم که شخصی نشسته و جماعتی
 بر او جمع شده، و نور از پیشانی او می تابفت، مردم او را معرّز و مکرم می داشتند،
 پرسیدم که این شخص کیست؟ گفتند این شخص ابو جعفر امام حرم است، سید
 عدنان مرا گفت: این شخص مسّ است و ضعیف، ما ضعیف نیستیم پیش او رفیم
 و سلام کردیم، بر حواس و سلام ما را جواب داد، من بوسه بر سر او نهادم، او نیز
 بوسه بر سر سینه من نهاد، که مالای او کوتاه بود

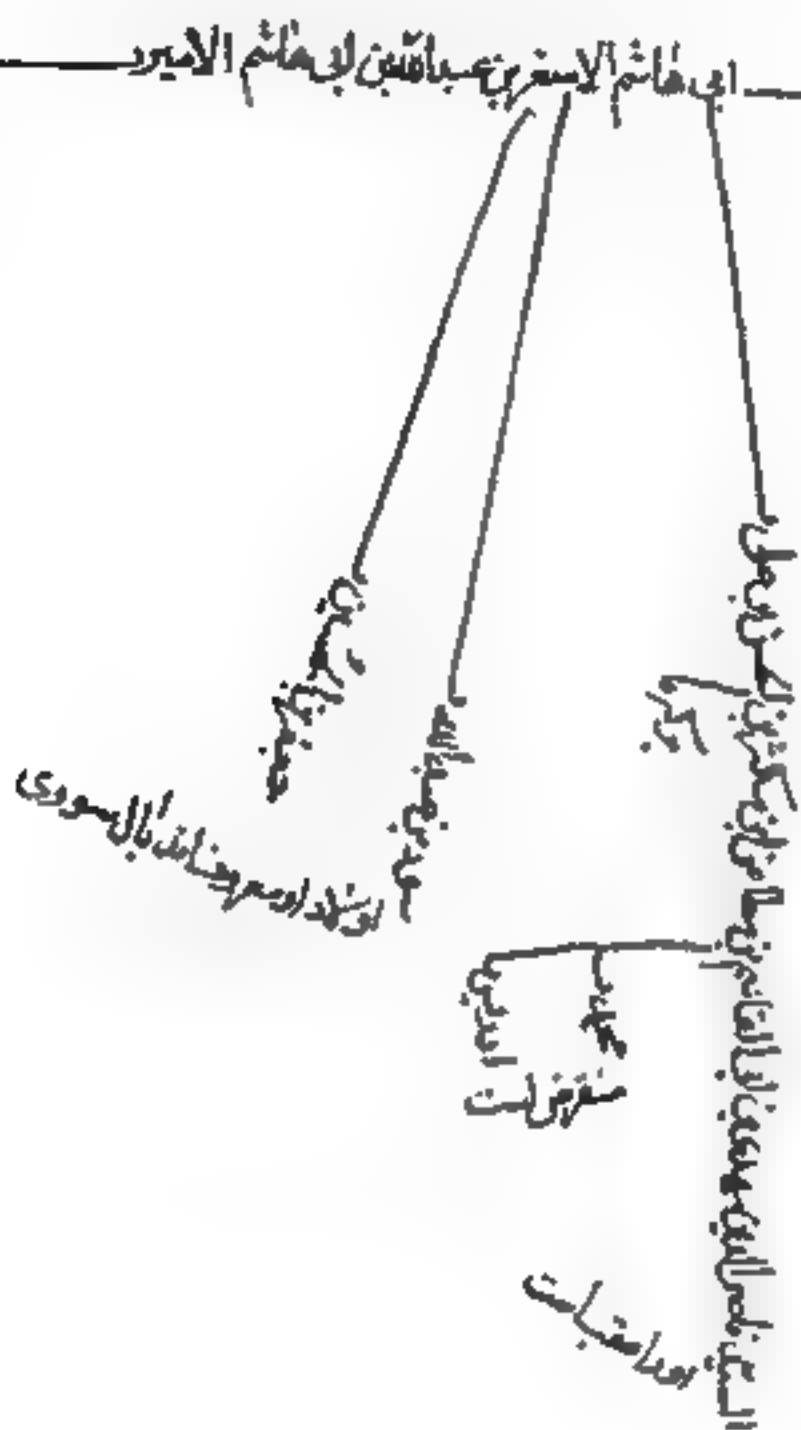
پس مرا گفت: تو کیستی؟ گفتم: من از این عتقان از عراق می آیم، گفت:
 علوی؟ گفتم: آری، گفت: حسنی یا حسینی یا محمدی یا عباسی یا صری، گفتم:
 حسینی، گفت: عقب حسین از علی بن الحسین است، از محمد الباقر یا از عبدالله
 الباقر یا از زید الشهدا یا از عمر الأشرف یا از حسین اصغر یا علی اصغر؟ گفتم:
 من از اولاد زید شهیدم.

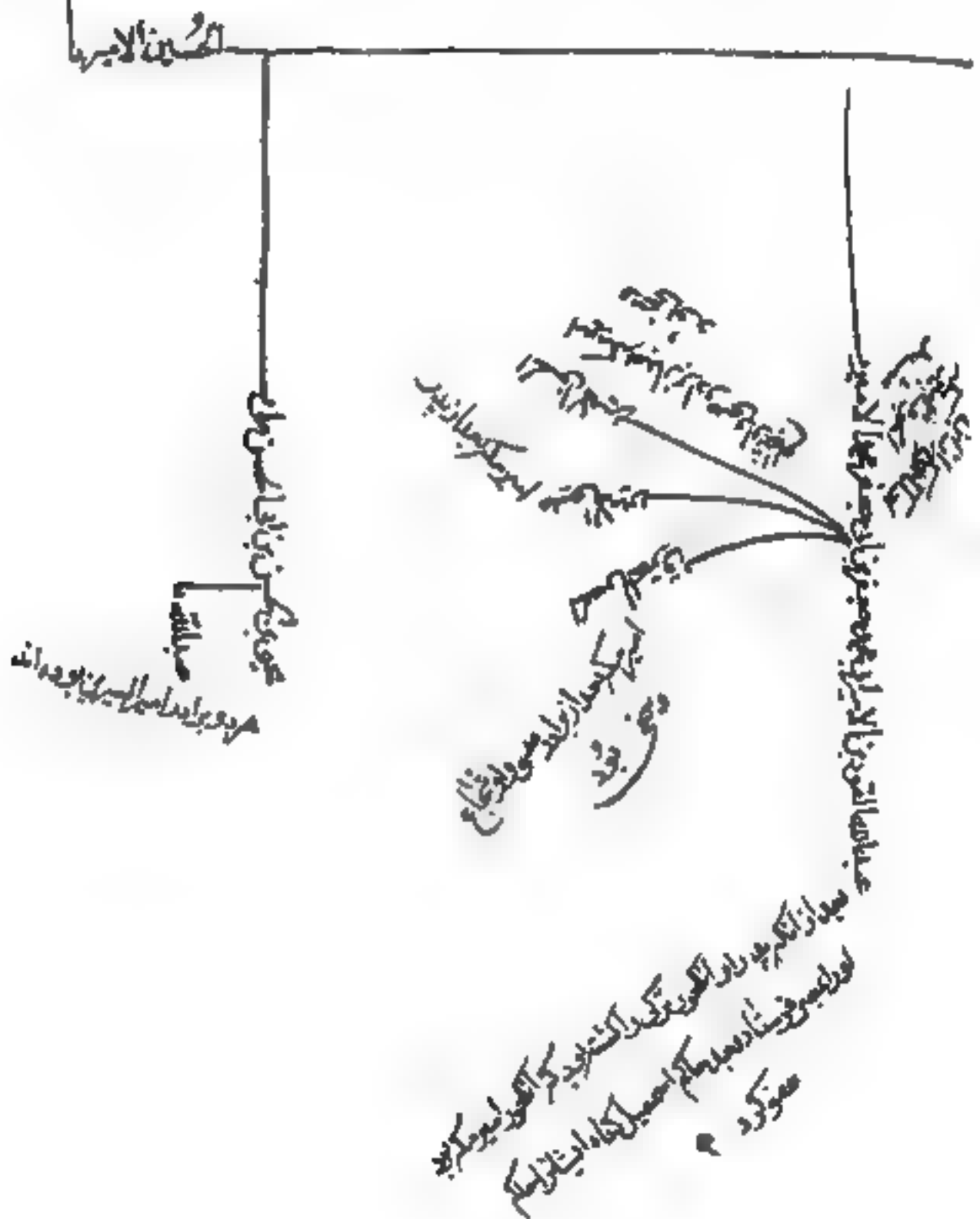
گفت: که عقب زید شهید از سه پسر است: حسین ذی الدمه و عیسی و محمد،
 تو از کدامی؟ گفتم: من از ولد حسین ذی الدمه، گفت: عقب حسین ذی الدمه از
 سه پسر است: یحیی و حسین فهد و علی، تو از کدامی؟ گفتم: من از ولد یحیی،
 گفت: عقب یحیی از هفت پسر است، فاسم و حسن زاهد و حمزه و محمد الأصغر
 و عیسی و یحیی و عمر؟ گفتم: من از ولد عمر بن یحیی.

گفت: عمر را دو پسر است: احمد محدّث، و ابو منصور محدّد، تو از کدامی؟
 گفتم: از احمد محدّث، گفت: عقب احمد محدّث از حسین سّابه نقیب است،
 و عقب حسین سّابه از زید و یحیی است، تو از کدامی؟ گفتم: من از یحیی پس
 الحسن.

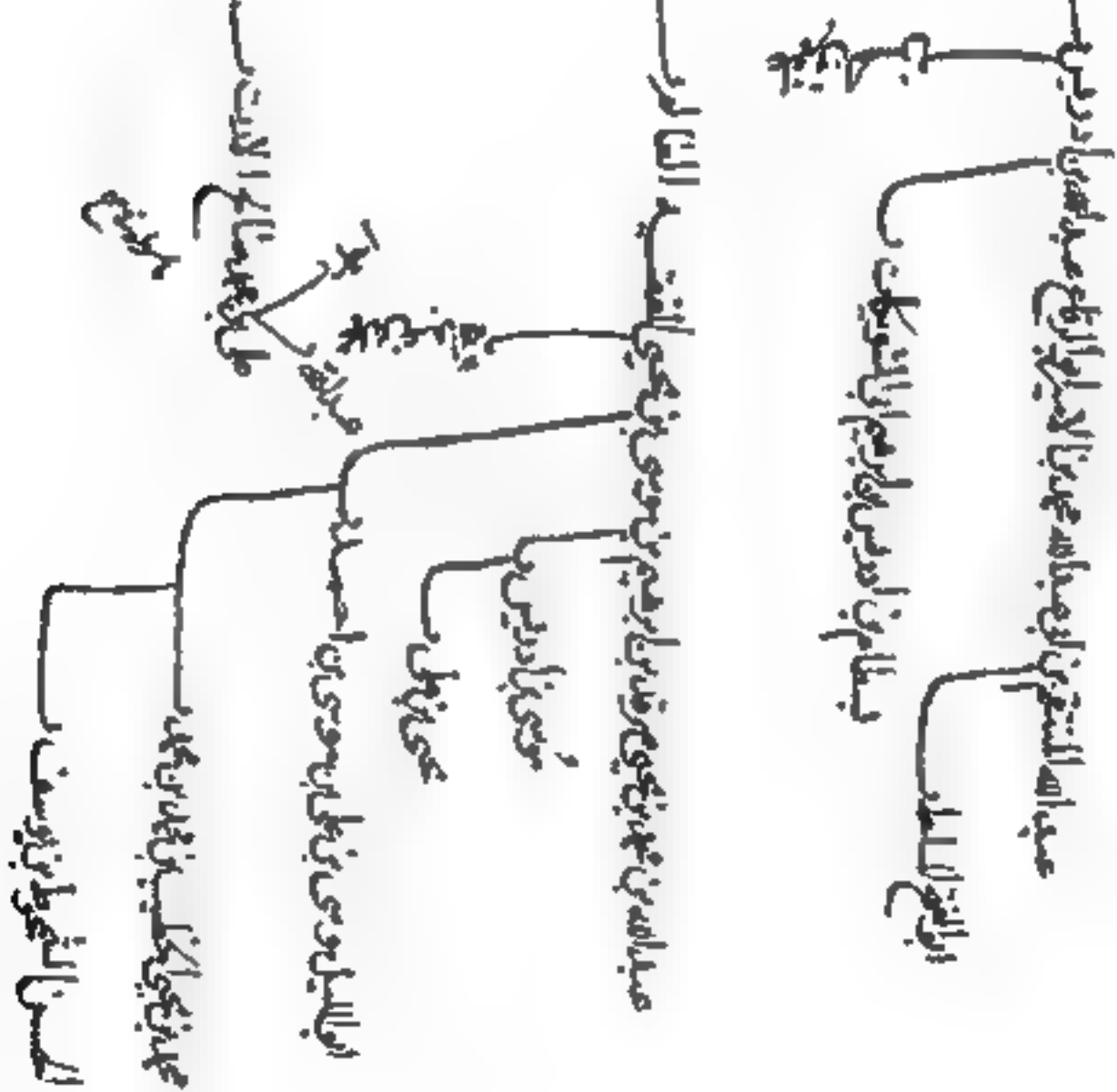
گفت: عقب یحیی از دو پسر ابوعلی عمر، و ابو محمد حسن، تو از کدامی؟
گفتم: من از ابوعلی عمر، گفت: عقب عمر بن یحیی از سه پسر است: ابوالحسن
محمد، و ابوطالب محمد، و ابوالثنا محمد، تو از کدامی؟ گفتم: من از ولد
ابوطالب محمد بن عمر، گفت: ولد عمر منحصر است بر این اسامه، گفتم: منم این
اسامه، و این حکایت دلیل است بر دانش ابوجعفر امام الحرم.

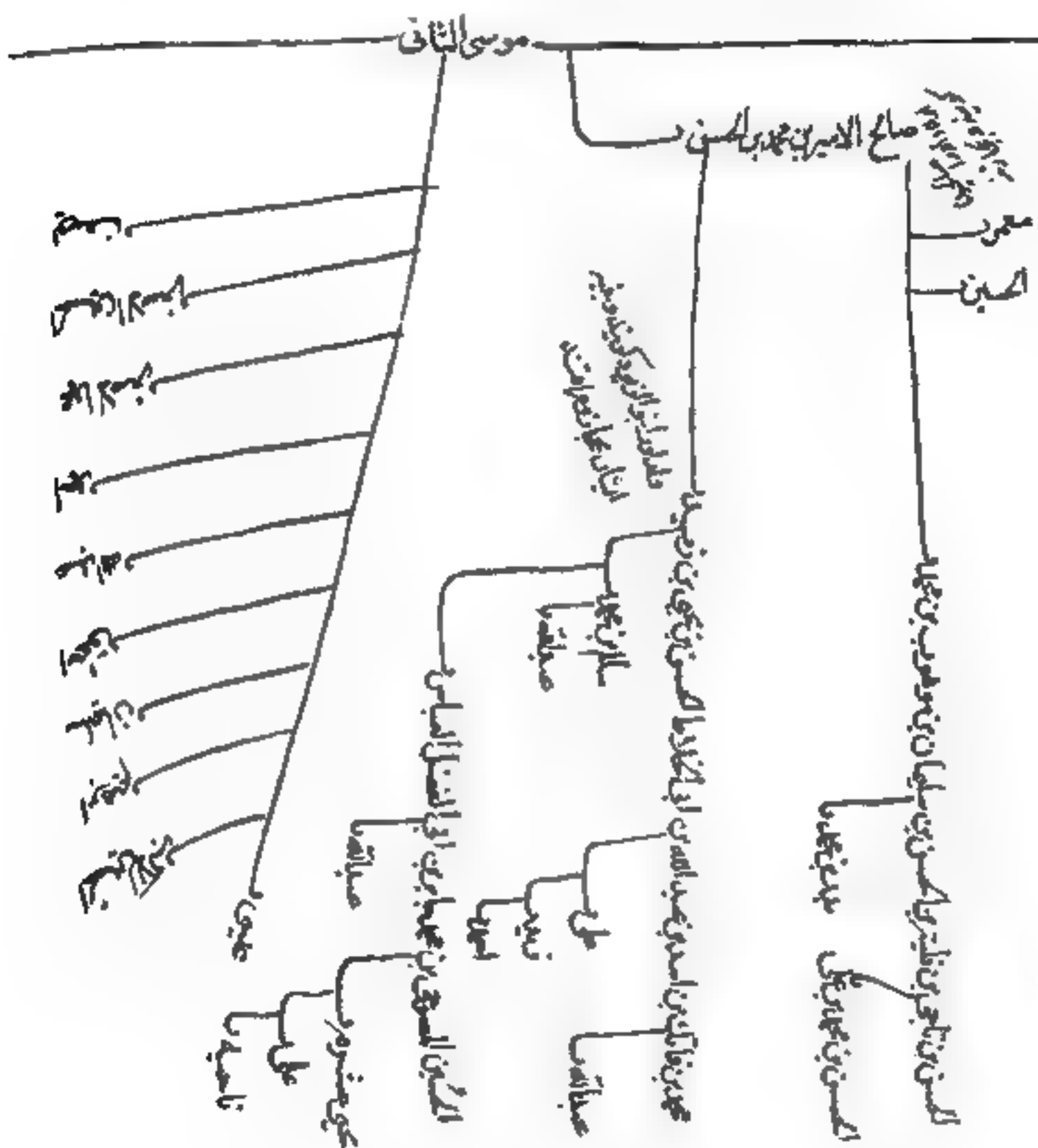
امارت حجاز از زمان المستنجد بالله تا این غایت در خاندان الحسین بن
ابو عبدالله سلیمان بن علی بن عبدالله بن ابوجعفر محمد الثعلب است، که امیر
قتاده بن ادريس بن مطاعن بن عبدالکرم بن عیسی بن الحسین المذكور به
صرب شمیر از این عمّاں خود که هواشم است بگرفت تا الی یومنا هذا همچنان
در خاندان ایشان است، ابقاء الله تعالی الی یوم الدین.

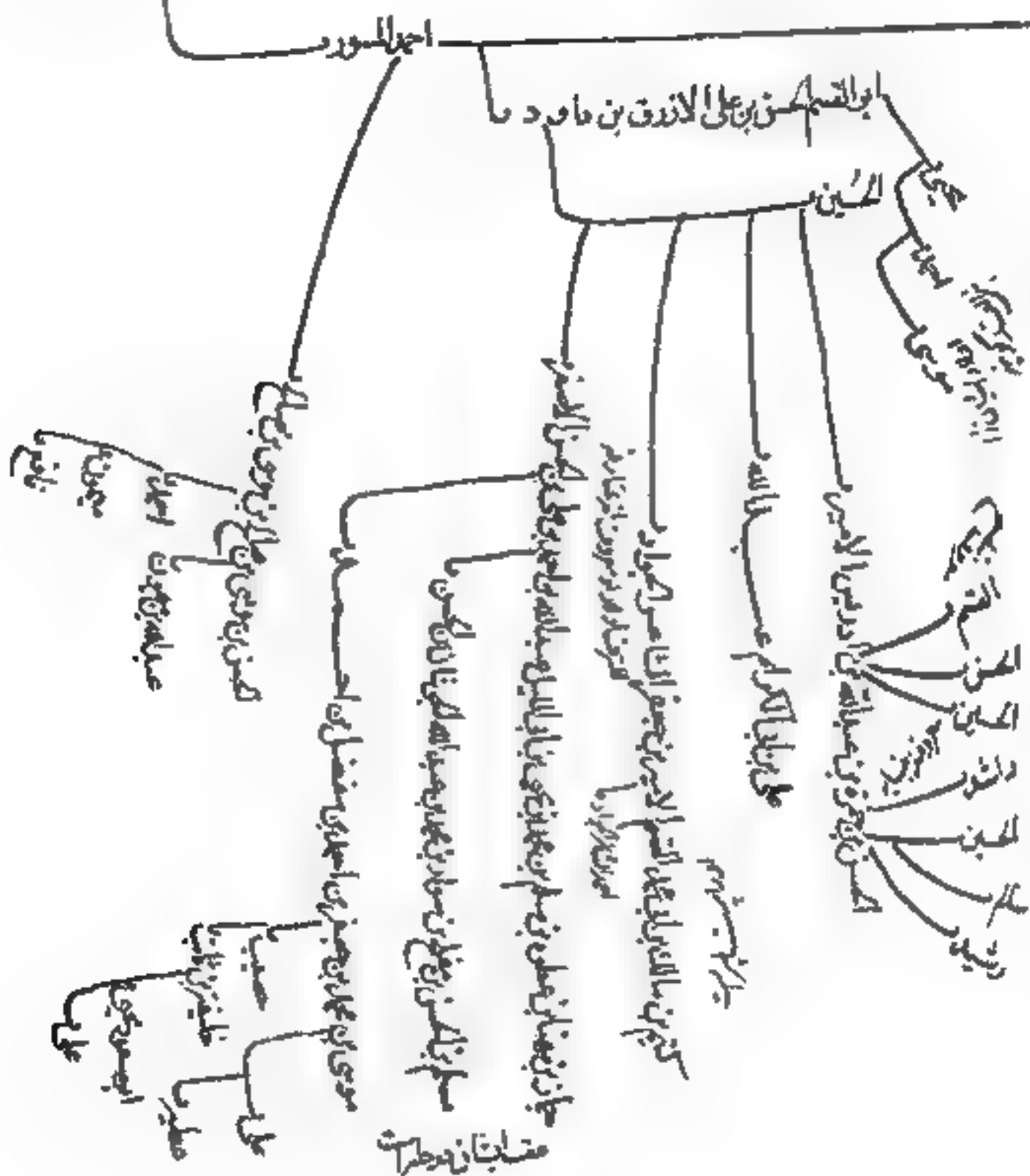












رَبِّ بْنِ الْهَيْثَمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ صَالِحٍ

عجله نامر با نا ظاهر از سکر و پند آید سوزنهای غیر خود تا او را بگریزند و در انداختن
کردند و در زندان چند قصه در مدح سوزن گفت بجهت برنجی بر مدبر کور و زیر پند
نمود پیش سوزن بر دیو حوالی عمر خنک و سوزن نیز حوله مالیدند انداختن آن به پند
و اما دست حجله زدند و اما رفت و اینجا وفات یافت و بعد از آن که او را عهد حجله

۱۰۰

والله اعلم بالصواب

10/10/19

بنی بکر بنی بکر بنی بکر

ابن خلدون

ابو عبد اللہ محمد

عبد الله الشيخ المصالح

ایم اود عبدی کی الونتی

محکم دلائل سے مزین متنوع و منفرد موضوعات پر مشتمل مفت آن لائن مکتبہ

محرم بنیادی

الحسن بن محمد بن عبد الله بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب

الذي يخرج من الخلق وهو ابن أبي عبد الله بن علي الحسين محيى النفاية بن عبد الله -

31

[illegible]

موقوفہ بابی النجاشی و اولاد
مبنیہ ما

和

ابراهيم بن صالح بن موسى بن الحسين بن ابي مختار بن ابي مختار البرقي
حسن



مفتی محمد تقی عثمانی صاحب مدظلہ العالی

محمد بن عبد الله بن عبد المطلب

أبو عبد الله الحسين بن أبي عمير الحسن الأموي الجواد

أبي جعفر محمد بن

قريب كونه وكذا كانت له كتبها وادعى على طاعت

الشمس

سنة ثمانين وثلثمائة

أبو طالب علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب

أبو محمد جعفر بن محمد بن أحمد

أبو الحسن بن الحسين بن علي

أبو الفضل علي بن أبي هاشم محمد بن أبي الفضل جعفر بن محمد بن أحمد

بجانبها

الحسين بن

أحمد بن أبي جعفر محمد بن أبي الحسن بن أحمد بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي هاشم محمد بن أبي الفضل جعفر بن محمد بن أحمد

في التسم الأموي

أحمد بن الحسين بن علي بن أبي طالب

أحمد بن الحسين بن علي بن أبي طالب

أحمد بن الحسين بن علي بن أبي طالب

عقب من محمد بن عبد الله اشترا من أموي استبداد خلافة واد
هذه في الجبر سنن لمدى وحبان و ما بين كثر شد

محمد بن عبد الله الأشتر بن محمد النفس الزكية

محمد بنش ز کثیر کنیز اولو عبد الله و بعضی گفتند ابو القاسم بود ابو بعضی
سندی گفتندی ابو نصر بخاری گفت که نادر شیخ چون حامله شد
چهار ساله را محمد در وجود کشید و دانی فایز نیز از او خرد چنین
روایت کرد و است و ابو الحسن العری گفت راست که ابو خلل داشت

احمد
طاهر
ابراهيم
علي

میان دو کتف مثل یخسرو بود او در سنه مائوه و بی خلقت و در سنه
خمس و اربعین کشته شده و دفن شد و بعضی گفته اند در بیت و نیم یعنی گفته
اند در بیت و نیم چرا او مردی بزرگ و عالم بود مشغول بود برادران و کسان او
بیت خلعت و دامام مسلح بچنان شدند در ایام مسعود خوارزمشاه که فرج کنند
مقصود را اعلام شد که آن بر کجاست بطلب ایشان و بد ایشان را لعل بیت ایشان را بگری
و در زندان باز داشت محمد و ابراهیم خرم خورشید کردند چنانچه در یک روز و احد محمد بیدار
رفت و ابراهیم بی صورت پس چنین اتفاق افتاد که ابراهیم خست شد محمد را از خستگی
برادر خست و نبوده که در صبح و خست است چون مسعود را خبر شد که محمد در مدینه فرج
کرد عیسی بن موسی بن علی بن عبدالله عباس را با لشکری فراوان بخراب او فرستاد جنگ
میگرددند تا با و آن محمد بر آید شدند و لوتها می اند کوبید که بخانه خود آمد و دفن کرد
نام آن کسان مدائن جلوه کرد با او بیت کرده بودند مدینه نظامه و بیست و هفت آمد
و در احجار زیت کشته شد او را نفس ز کبر گفته اند جهت آنکه رسول الله علیه السلام گفته بود که
کشته شود میان فرزندان با حجار زیت تا در ابراهیم و محمد و موسی چون هندو بیت
ابو عبیده بن عبدالله بن بر مصر و الاسود بن المطلب بن اسد بن عبد الغنی بن کلایه بود

مجد از شغل پادشاه کاملاً دست برداشته و به جفاکاری دست
 نکرده و او را ملاطفت و ادب کرده و او را آسوده کرده و از او آزار نداده و از او
 دلجو و محض و مخلص و مروت هزاره و به جبر و بیهوشی و کمالات و از او
 قوی و کفایت که خداوند گفته که بگو ای و وفاسی
 محراب است نمود و دیگران را اتفاقاً گفته
 اند که این هیچ نیست

طریقہ کا نام

عَمَّ يَتَّبِعُوا مَا نَهَىٰ عَنْهُ فَإِنَّهُمْ لَهَاكِيمُونَ

[illegible]

ابو عبد الله محمد بن علي

وَرَفَعَ اللَّهُ كِفْلَهُمْ بِهِ نَبَاهًا وَنَجَّاهُم مِّنَ الْغَمِّ إِنَّهُمْ لَمِنَ الْكَافِرِينَ

سپین پرانہ ایک عجیب و غریب ملک ہے

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

مکتبہ اسلامیہ

الامم
فضل
دور
سبب
اور
سلطان
کوکو
مذکور
مذکور
مذکور

شكر الله على ما رزقنا من نعمه

آن را

دین مسیحی
فرزندان که
و این بر
لودر
دین مسیحی
فرزندان که
و این بر
لودر

بیتا میر

چشم
غیر
چشم
میں
وہ
محمد
نوی
فیم
بسی
بیبا

عبدالله بن محمد بن يحيى صاحب الديلم

محیی ثواب الدائم که اورا بنی گویند بگوشت و بنایم رفت و اینجا ظالم کشت با حق و جمع
 شد و چون این خبر پرشید رسید ضایع بهم برآمد که حاجتی فرمود بلبی الفضل بنی البرسکی
 که چون عبدالمودان جانب طایفه کشته اورا بیکر و شر اورا کفایت کنی فضل با آنکس بسیار
 روی جان جانب آورد و در سوار بر ملک محیی فرستاد و فرمود او را و فریب و ترسید محیی گفت
 و او را انان و فضل پرشید کتاب کرد که من اورا انان دادم الفضل بنی محیی صفرا در دم
 و محیی ثواب الدائم را باز خرید و محیی بدو فروخت چون ازین صفی چندگاه گذشت عبدالمودان
 مصعب بن ثابت بن عبدالمودان فرمود با پرشید فرستاد و محیی را فرمود بدو گفت که پرشید
 اعتباری ندارد و رشید ایشان فرمود و ادب علی جمیع کردن روی محیی گفت که تو نقص
 دولت امیر المؤمنین می خوری محیی گفت که چنین هست که من از تمام رشید بسیاران
 محیی گفت با امیر المؤمنین این چه خنده بود بدین منشی رشید بخواند یعنی آنکه من
 بنی حسن را می خورم و دارند محیی سو کند بدو محیی می خوراند محیی گفت
 که هر کس سو کند بدو رخ خرد خدا نکند او را جز او مدد و ولایت
 که هر کس سو کند بدو رخ خرد خدا نکند او را جز او مدد و ولایت
 سو کند بهادر و بیعت با سو کند چنانچه اورا کسی نیشناخت و بمرد و رشید را خبر
 شد و فرمود تا اورا دفن کردند خال او را بر روی انداخت با دیگر اورا دفن کردند و آن حال بهادار بنی
 بر لوح طالع نوشتند و با او در خاک نهادند فرار گرفت و رشید محیی را بخواند و آنی بپایان سوال کرد
 همین بیایان سرهم ستارفت کشت بود رشید محیی را انان داد و او را انیم بیعت قاضی کرد و بر البرسکی
 گفت این انان فاسد است بدین بخت و بدین بخت رشید فرمود تا محیی را بر تان دان داشتند و بسیار
 و تان بماند فاسد که این انان هیچ است و در آن شکی نیست محیی ساکت شد و سخن گفت با محیی گفت که او را
 عقوبت میناید که رشید گفت مراد عقوبت او شود هم و او را بر تان فرستاد که انان فاسد است
 محیی گویند که رشید محیی گویند او را در میان و کفر و بدی محیی گفت که سبب و اگر سوخت و رشید او را در میان
 سبب انداخته تا او را سبب بخورد و من

12

1

—

میں نے اسے

بسم الله الرحمن الرحيم

1

1

...

فَمَنْ

مستقیم و آسان



2

1

1

میرزا علی محمد

الشيخ

تاریخ

10

تاریخ

22



10/10/2010

جنتانہ جنت

میں نے

في كتابه

برای دریافت اطلاعات بیشتر

2000

1. *...*

100

3

1947



Figure 1

Abstract

100

عقیدہ الیٰ یزید

سید

الحمد لله

ادریس

عبدالله الحنفی

ادریس بن عبدالله الحنفی دوزخ یا سعین بن علی العابدی و چون صاحبان شهید شدند ادریس بکویت و بنزب بغداد
 طایفه فتنه‌ها را که او را شده همه او بچهره مردم او را دعوت کردند و بگرویدند و او را ملک حق کردند و رشیدان خبر
 شد سلیمان بن جریر الرقی را بخواند و پاره زهر بدهد و ادریس ایمان پیش ادریس آمد و زهر را بدو داد و او بزرگوار
 بخورد و بخواست و بکویت پیش رفت و چون حاکم شد و او را امر بقی مکر نزد و بکشت و بارگشت چون پرسید
 ادریس مرده بود و ادریس باریه داشت و این جاریه حامله بود بعد چهار ماه ادریس بن ادریس از مادر متولد شد و بعضی
 گفته اند که ادریس بن ادریس از مادر است و ادریس را عقب نیست و این را شد از برای بقا و ملک این احوال نیست
 که او در القم الحنفی که یکی از کبار علماء این فن است گفت است که ادریس بن ادریس از کبار علماء این فن است
 و امام علی الرضا بن موسی کاظم گفته است که ادریس بن ادریس از قاضیان و شجاعان اهل البیت است و سو کند
 و اکرده است که در میان تمام چون او بگریه پادشاه است

أبو عبد الله الحسين بن أبي القاسم علي بن أبي عبد الله الحسين الخليلي

يعرف بالفضولي

أبو عبد الله الحسين بن أبي القاسم علي بن أبي عبد الله الحسين الخليلي

التقوى في كل
مفسر في جيرة اورا
بدا في سبب قضي
كوتيل

أبو القاسم الحسين بن أبي القاسم علي بن أبي عبد الله الحسين الخليلي

أبو عبد الله الحسين بن أبي القاسم علي بن أبي عبد الله الحسين الخليلي

أبو القاسم الحسين بن أبي القاسم علي بن أبي عبد الله الحسين الخليلي

أبو القاسم الحسين بن أبي القاسم علي بن أبي عبد الله الحسين الخليلي

أبو القاسم الحسين بن أبي القاسم علي بن أبي عبد الله الحسين الخليلي

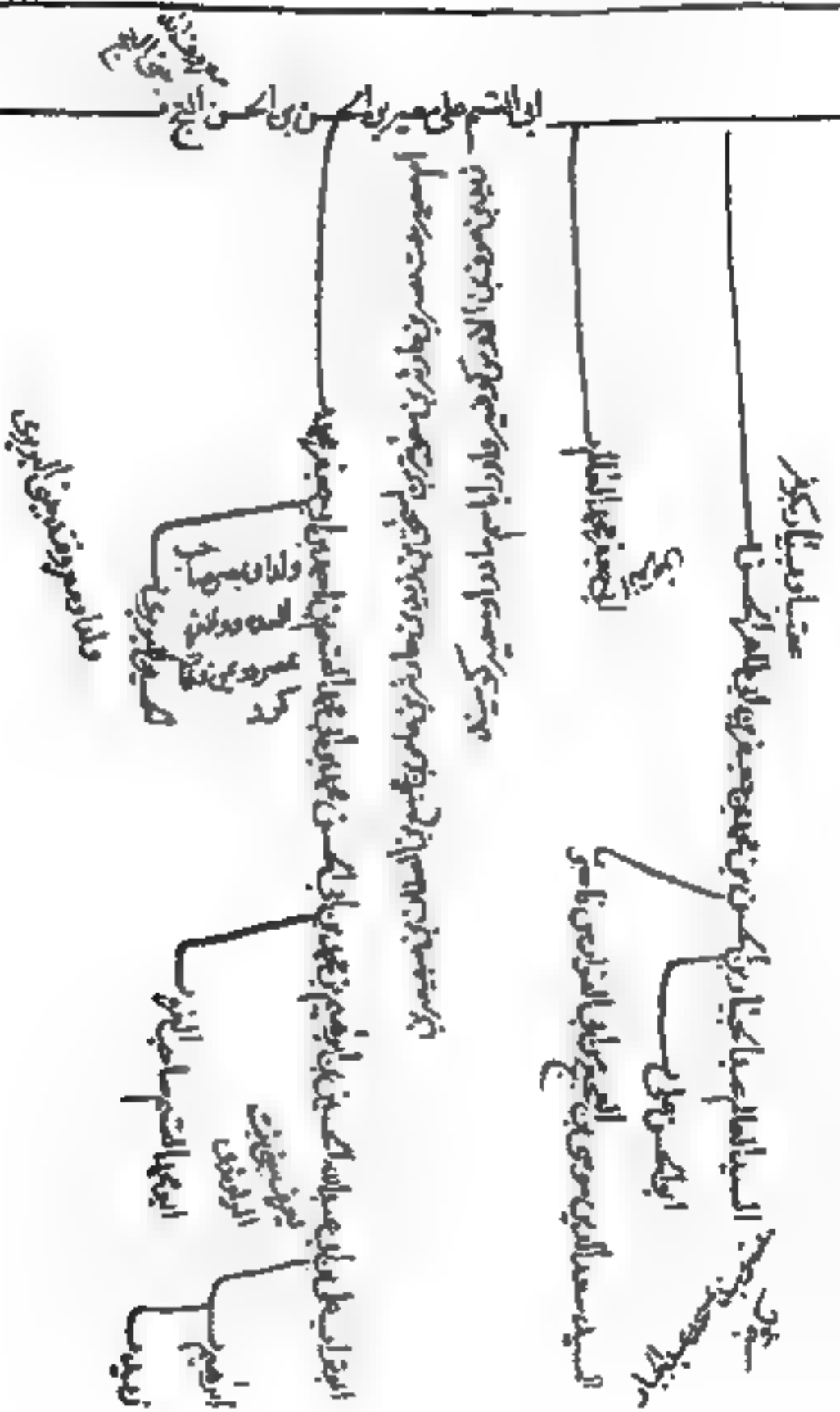
أبو القاسم الحسين بن أبي القاسم علي بن أبي عبد الله الحسين الخليلي

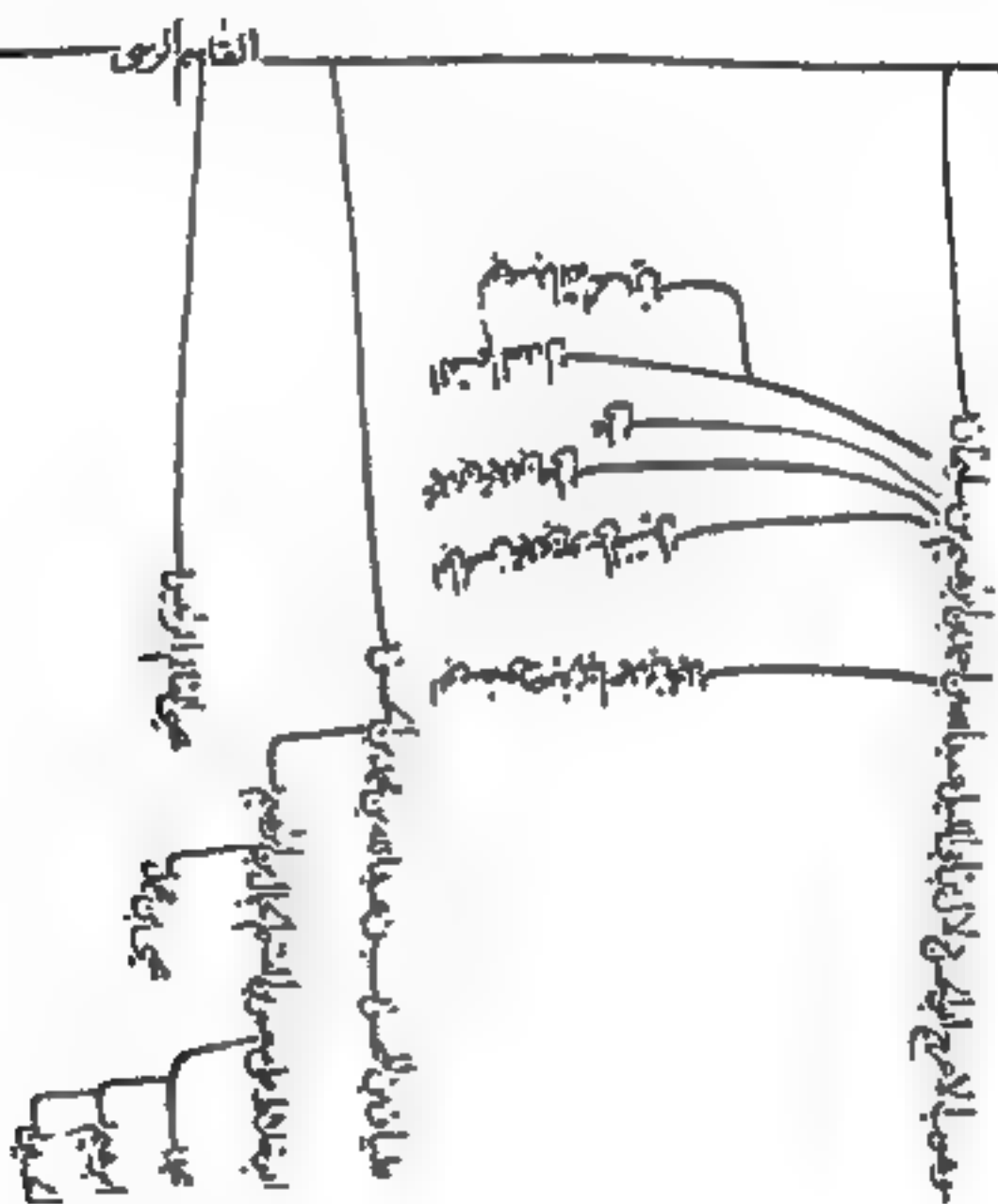
أبو القاسم الحسين بن أبي القاسم علي بن أبي عبد الله الحسين الخليلي

أبو القاسم الحسين بن أبي القاسم علي بن أبي عبد الله الحسين الخليلي

أبو القاسم الحسين بن أبي القاسم علي بن أبي عبد الله الحسين الخليلي

أبو القاسم الحسين بن أبي القاسم علي بن أبي عبد الله الحسين الخليلي





الشيخ ابو عبد الله محمد بن ابي جعفر محمد بن اذرع

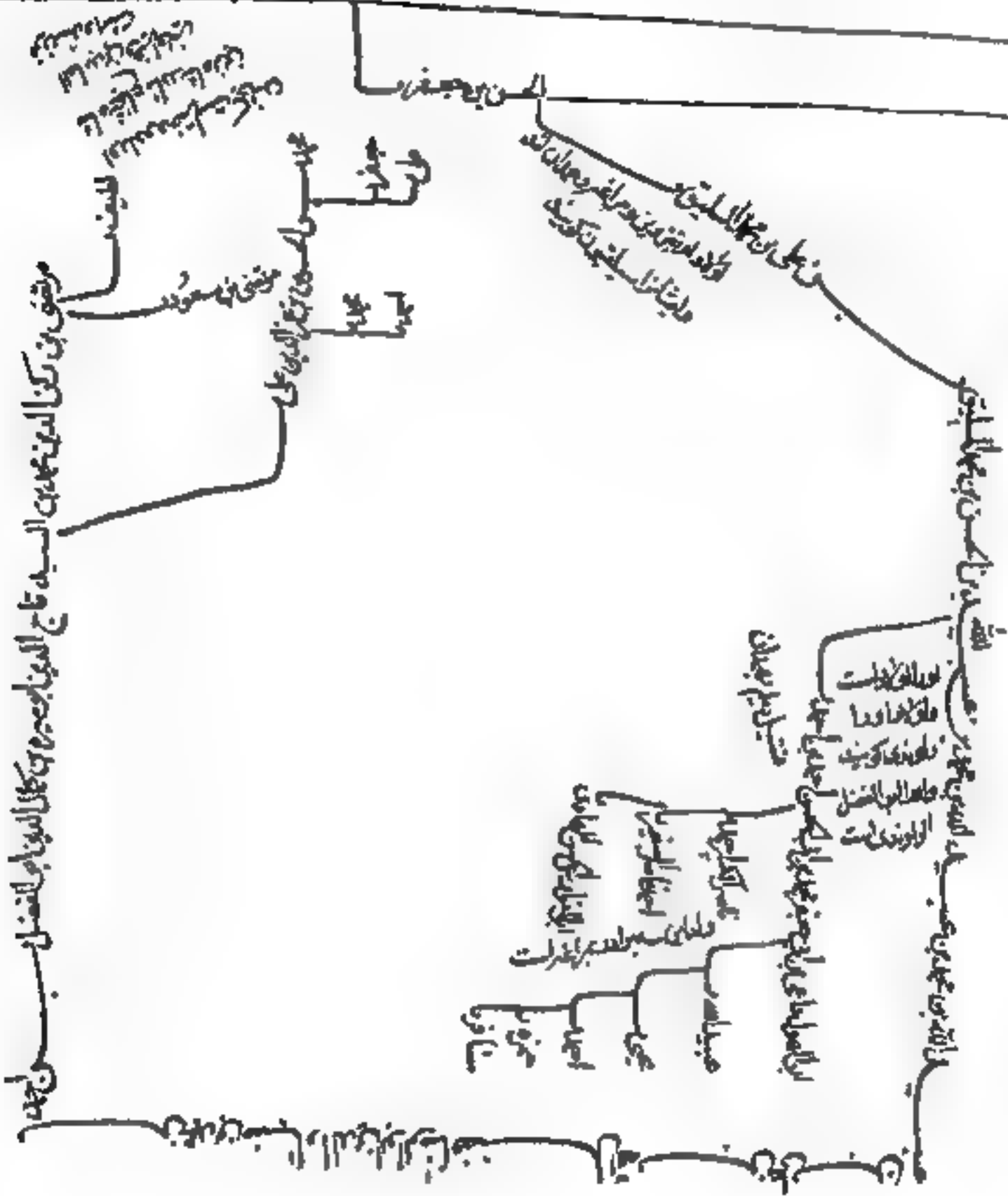
ابو القاسم بن محمد بن اذرع
سبب ابو القاسم كذا

ابو القاسم بن محمد بن اذرع
ابو القاسم بن محمد بن اذرع
ابو القاسم بن محمد بن اذرع

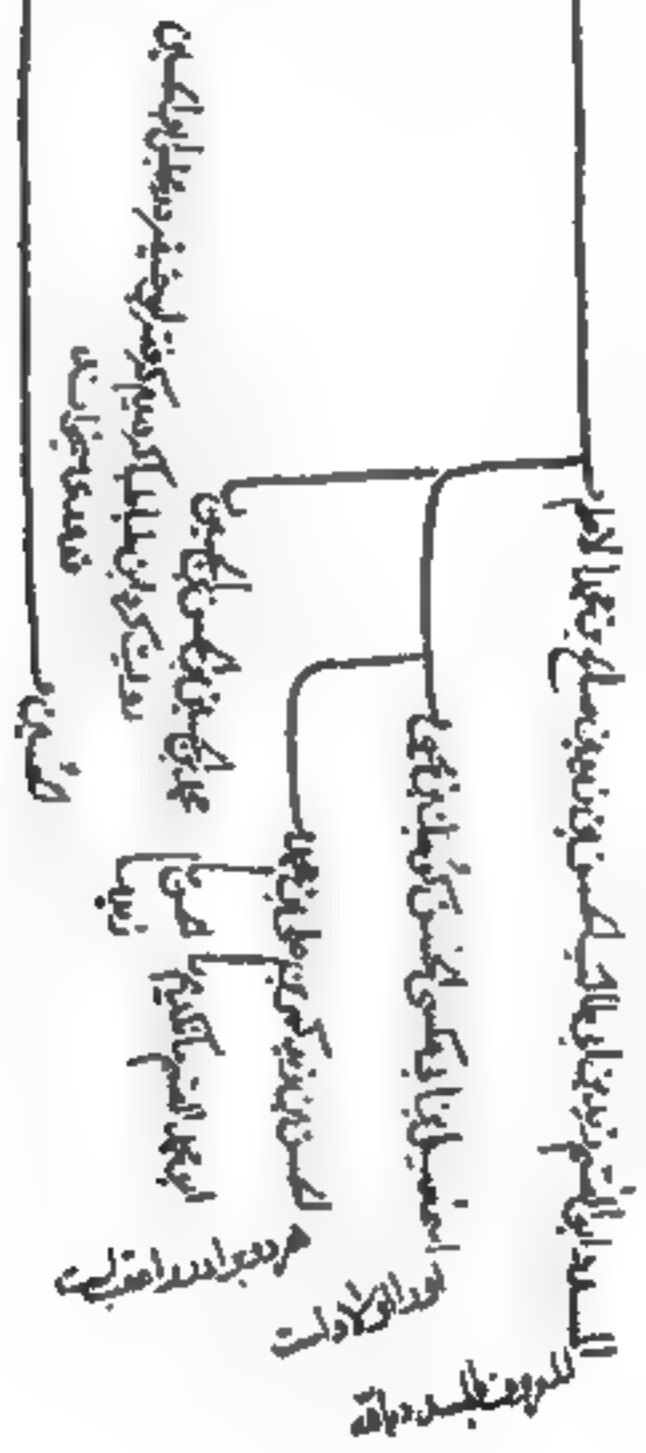
ابو القاسم بن محمد بن اذرع

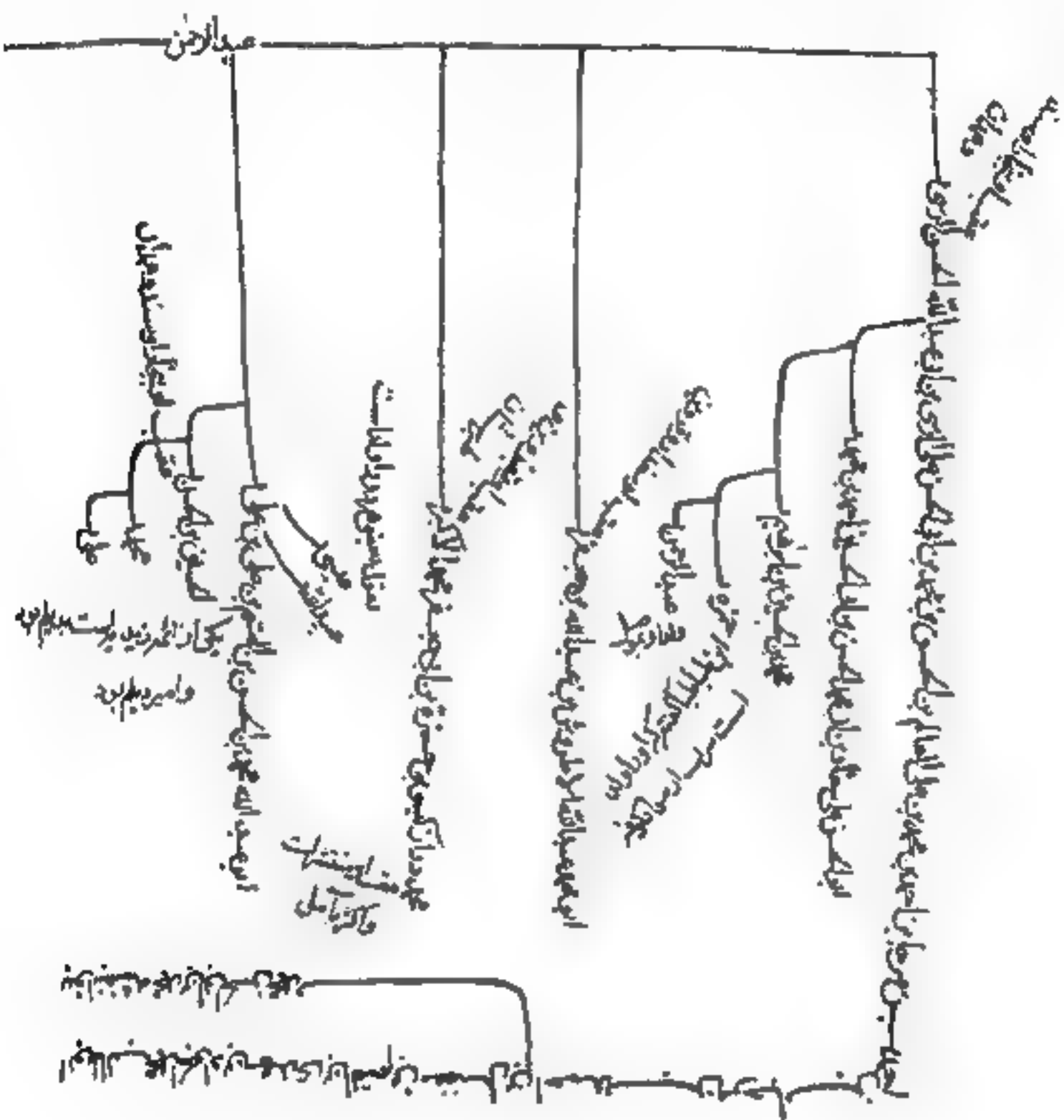
ابو القاسم بن محمد بن اذرع

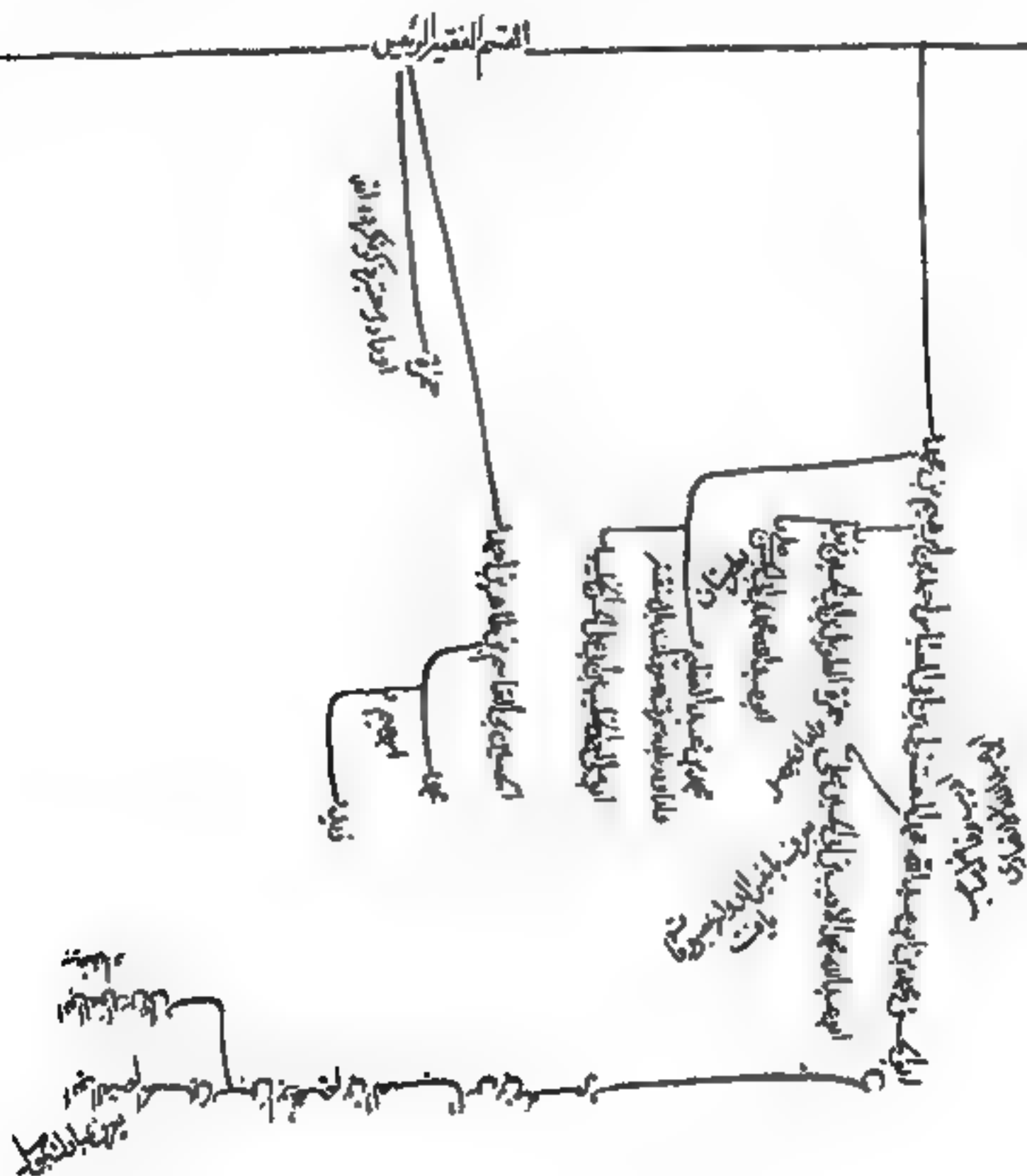
ابو القاسم بن محمد بن اذرع
ابو القاسم بن محمد بن اذرع



عبد الله







الشم بن ميمون الأعرج بن حنيفة الأصغر

ابن الحسن محمد المحدث بن أبي عبد الله الحسين بن أبي علي داود بن أبي زب على الغفيري

برای اطلاع بیشتر

بسم الله الرحمن الرحيم

ابن البركات لمعن بن عبد الله بن أبي البركات عن

مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران

ابن سينا في الطب

مصنف

Subjektive Bewertung

پیشکش: شہزادہ اور ان کے اہل خانہ

امير المؤمنين ابو محمد الحسن بن علي بن ابي طالب عليه السلام

ابو الحسن زيدا

كثير زيد بن الحسن ابو الحسن ويقل وضع الثاني ابو الحسن سوادا من سواد الله بود طي السلام غالت كديام خود
الحسين وبا او عراف نمت وبعد از قتل عم خود بر عبدالله بن الزبير سجت كرو وليت است از ابو نصر بخاري كرون عبدالله
زيد كشته شد دست خواهر خود گرفت و بدنيا باز رفت كه خاله پد مادر او در تحت عبدالله بن زبير بود و زيد
بخشند و مدح بود مدال عمر او بود و بعضي گفته اند و منج سال بعضي گفته اند و سال ديگر مكر و مدبر
موضي است كه ان موضع طبر كوتيد وفات كرو ما در اوقا طبر قبت ابو عبير و عمر و طبر اخراجا الاضا و طبر
درا حسن بن زيد است و كيت او ابو محمد است و او امير مدينه بود از قبل حضور و ايتي و غير مدينه نركم داشت
و حكم او داند بود بر غير مدينه و در فسطح كه ميان عباسيان و آل دا الحسن الشني حري بود و او مدني عباس بود و او
كوي د ان طويان كه لباسي نيا پوشيده و عمر او بهشتاد سال رسيد و در عباس وفات يافت بقول ابن جاع در ستر
ثمان و ستمين و مائ و زمان رشيد را لير در و ايت و زيد غير از اين حسن معني بگيرند است و زيد را خنري بود
نام او فقير او اولاد بن عبد الملك بن خواست و از اولاد پي داشت و بمصر وفات كرو و قبر او انجاست و اهل مصر زيارت
او است القير كويند و بعضي گفته اند كه اين فقير از عبد الملك مروان حامل بود كرو فاست كه حجج قول او است و زيد
بن الحسن پيش عبد الملك مروان رفت او اعزت بيار داشت و او را سي هزار دينار در فاد و بعضي گفته اند صاحب قبر
بمصر و فقير غبت الحسن بن زيد است كه زن لحن بن جبر خدادق بود و الا و او روي من ثقات الفنا اين و ما در
الحسن بن زيد ام و او بعد ز جابر ميگفتند و لقب او روقا

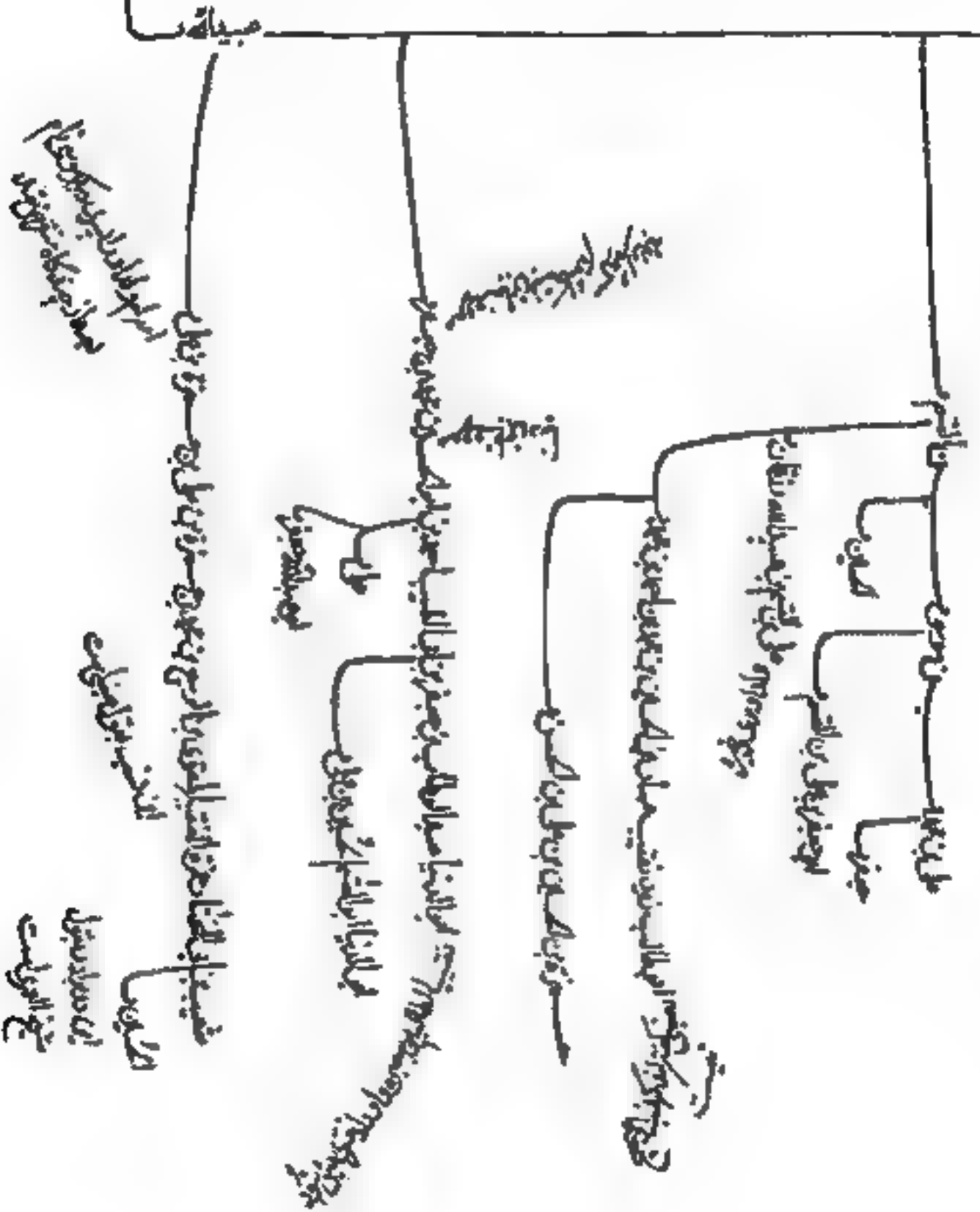
ابن جعفر محمد الجواد بن أبي الحسن علي الوفا

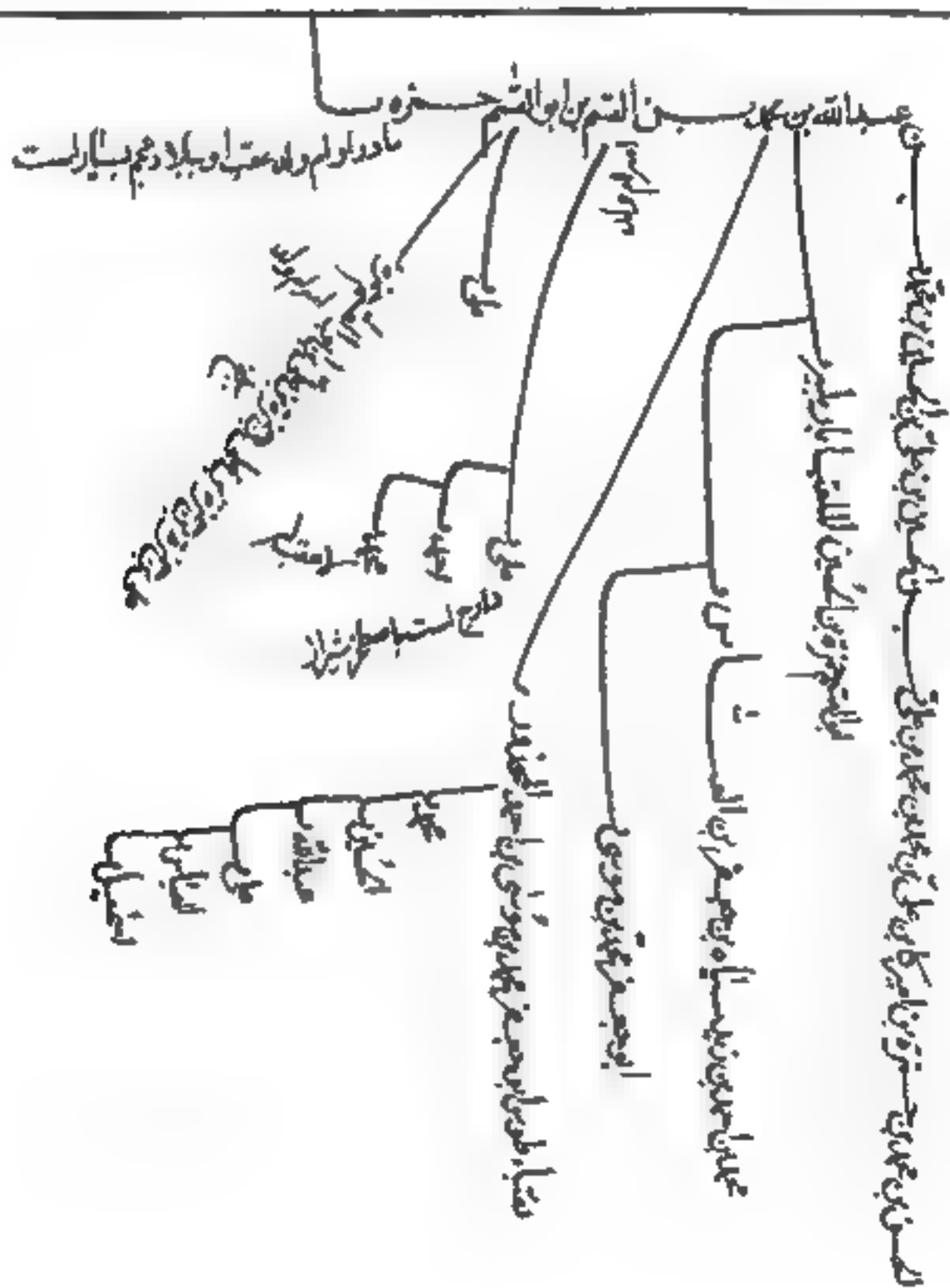
موسى البرقي

ما دلوام ولدا سلاسيه تخفيف سلام
ليلا لولاؤو و عموفا لمر موسى مناش

لوحيد الله اجلدين بها الامير بن احمد
المتين







عمل الجور

عمل الجور را با برده پسر خود هر دو نام صفت کرده بعد ایشان را بکینیت از یکدیگر فرقی
گرفته اند یعنی گفتند از هم سلطان و پادشاهان کشت و در حواط اطراف بکرم
لوا تشبیه چون کردند بعضی گفتند چون پدر لوفات و لغت او را بیک نام داد
بعد چون مؤلف شد مادر او که او را لوف و پیش و پشت شخصی اندر پرسید که این
پسر کینیت مادر او را و ثار ویت بقبر پدر او کرد یعنی پسر نکور است
ازین سبب لقب او کور را نهادند بعضی دیگر گفتند معتم لور را می گشت
و اصل لقب در نسب او را لور نام کردند

این برکات طریقی که درین برین طریقی است

مردود این جدیدی که باقیه از کینیت این طریقی است

این القیم طریقی که درین برین طریقی است

این به بقاء و این برین طریقی است

این طریقی که درین برین طریقی است
در این طریقی است

الحسين بن علي الماروني

[illegible]

○

15

1. **Introduction**

١٠٠

2014年12月15日

صلى الله عليه وسلم
عجله الله

26

بعضنا و بعضنا
الذين هم في الجحيم

اے کونے کونے کے لوگو! تم کو بھی یاد ہے کہ

علامه جعفر صادق بن الامام محمد الباقر

کنیت محمد الباقر ابو جعفر است و لقب او از برای آن باقر نهاده اند که جابر بن عبدالله رضی الله عنهما علی الله علیه و آله و سلم
 ولایت کرده است که او گفت پنجمین را گفت یا جابر اینک مستقیم حقند یا شرعاً من اولادی امیر میفرماید بمشاور
 فاذا را اینترافره من السلام پس این دفعه با بر محمد باقر را بدید و نسب او پرسید و از بن معقول را خبر کرد و گفت جلال
 رسول الله ترا سلام رسانید و بفرمود این عرب شکم شکاف تن است یعنی حکم او بر علم است چون برادر او زیاده
 بدمشق قر و هشام بن عبداللک رفت هشام زیاده را گفت چون است برادر تو بفرمودن زیاده هشام را گفت چرا میمانی
 محض رسول خدای میکنی که هرگز مخالفت سخن خدا نکند و در قیامت او را از بهشت منع کنند و بدین مع فرستند
 که حضرت رسالت او را باقر لقب نهاده است اما در عهد باقر علیه السلام حضرت الحسن بن علی بن ابی طالب است و اول کسی که
 جمع شده است از اولاد امیر و کتب و در بن معقول شاعر گفته است یا باقر العلم لاهل التقی
 و خیر من ابی علی لاهل و محمد الباقر جلیل القدر و واسع العلم و لغز العلم یهد دنیا و انکه در حیرت و تعجب و تفریب
 ستاد شد در سترش و خناین بعدین در هیچ الاخر در سال بیوه جد و امیر المؤمنین حسین بن علی و وفات یافت
 در زمان هشام بن عبداللک و او پنجاه و پنج ساله بود و در کورستان بقیع مدفون است و عقب از جعفر صادق است
 و ما در جعفر صادق ام فروز علی بن النعمان بن محمد بن ابی بکر است و ما در ام فروز جنت عبدالرحمن بن ابی بکر است و محض
 قولینقی باقر صادق تن خا و کرد و خدایاکرم و فضل خود او را نگاه داشت و متوفی شد در سنه ثمان
 و اربعین و بعضی گفته اند در سنه سبع و اربعین و در جمیع مدون است

ابو اسلم علی نقیب قم بن محمد بن سوره

حسن

عبدالله

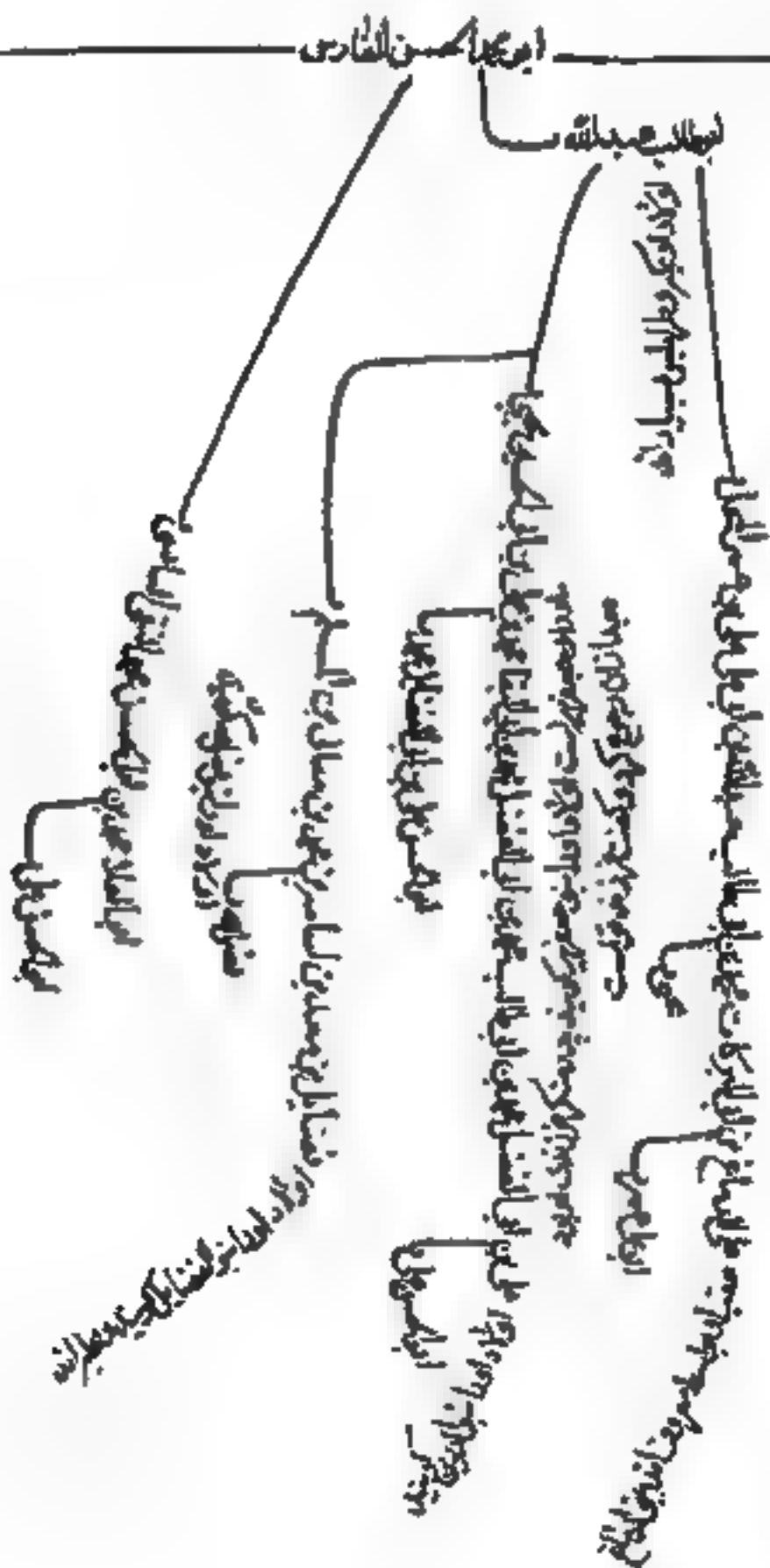
خروج کرد بموایم السندی اور لکھنؤ کیستند سر اور ابابرا فرستادند
عبدانقشانی لایه و مال اور جمع امام حسن مسکری کرد و امام ایثار از اصفیاء
و مستبد و خزانه و نفوذ آورد و اور اکثری فقر و بخت و رنج اور
کوثر کرد و از غنیمت و دگر داشت و چون و کثرت یافت هم در کوشش
بود و نقیب و اصلاح رسید و بود و غنیمت و سیاه بود

ابو اسلم علی نقیب قم بن محمد بن سوره

حسن

عبدالله

ابو اسلم علی نقیب قم بن محمد بن سوره



زيد عمير

سخن شجاعان بلال و

زيد عمير

الحسين النسابة بن احمد المحدث بن عمر

الحسين النعمان بن ابي مخنف محمد الاكبر بن

ابو الحسين بن يحيى

ابو الحسين بن يحيى بن صاحب شامى وكنى ابي زيد بن ابي راس و زاد در اوام الحسن بن الحسن بن مسلم بن ابي عمير بن جعفر طيار است و داعى الوسا بود انال محمد طاهر بن كوفى در ايام المستعين محمد بن عبد الله بن طاهر الاصبهاني كره و او را قتل آورد و در او را با امر ارضاء و او را عقبت بنيت و بر ايت ابراهيم بن ابي انخلط است كه صفيات خب و در ميه

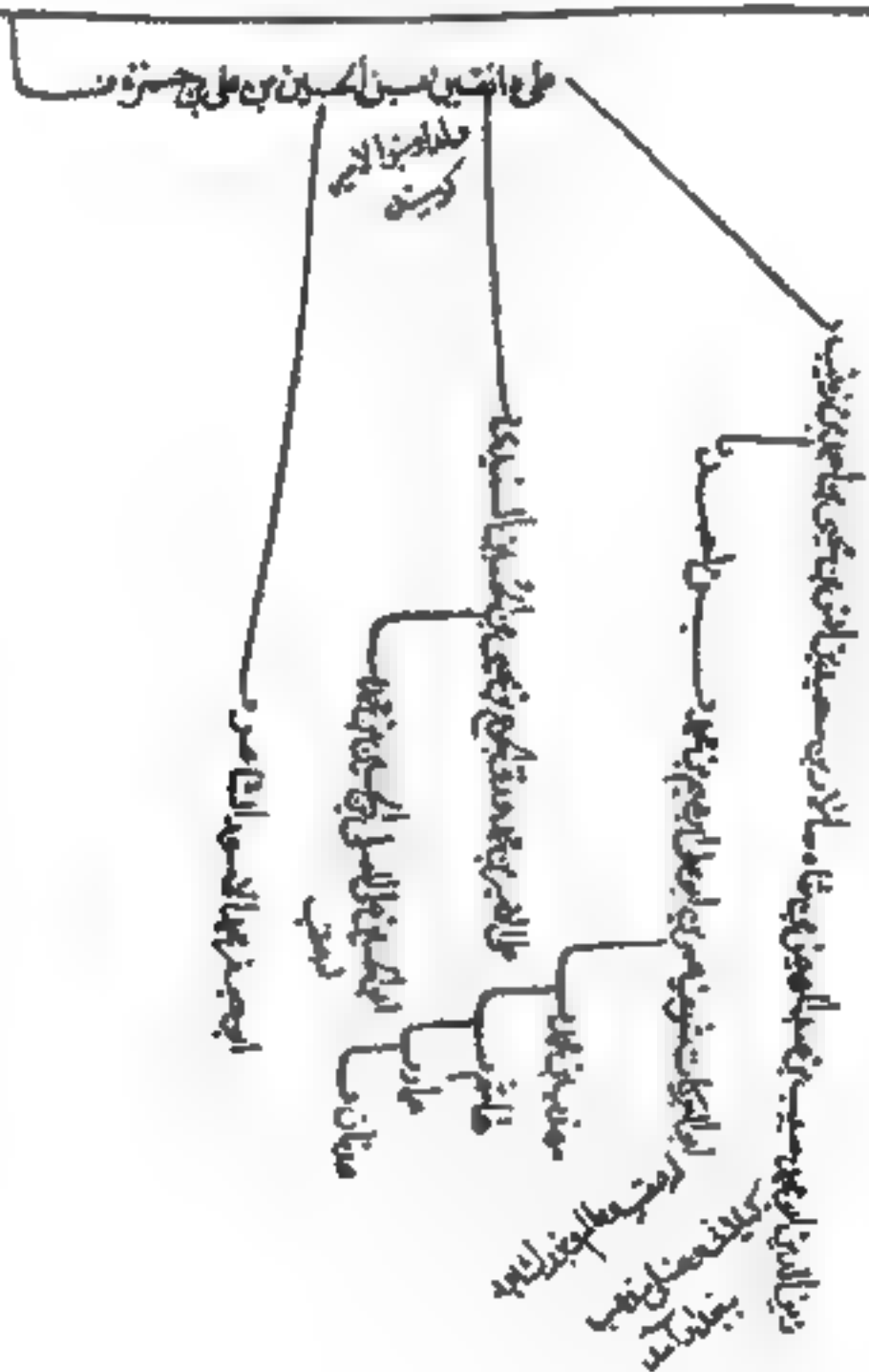
الشيعة بن ابي الفوارس محمد بن يحيى الفخري بن زيد الجبلي

ابو الحسين محمد بن الحسين بن محمد بن احمد بن محمد بن

صفي الدين محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن

ابو الحسين محمد بن الحسين بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن

ابو الحسين محمد بن الحسين بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد بن



محمود حسن

[illegible]

الحسن بن زيد الشيباني

المناظر كآيت قلل و سواد و سواد و سواد

11

بسم الله الرحمن الرحيم

52

ابو عبد الله محمد بن الحسين بن الحسن بن الحسين بن علي بن ابي طالب

اگر کسی کو یہ بات معلوم ہو کہ وہ اپنے کسی عزیز کو جو اس کے لئے بہتر ہے اس سے روک رہا ہے اس کو اس سے روکنا چاہیے۔

برکات علی غنیہ

مسجل في المحكمة

منه

பி

الحسين عناه

میرزا جہر بن سید سید کا کہنا ہے کہ میں نے عمل کیا۔

عبدالله الازرق بن ابي عامر الحميري

سید محمد علی

۵. سید علی حسینی

الحمد لله رب العالمين

٩٠٠٠٠

وہم و ہم

3

ملفوظات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اوصاف استخراج حروف کتب عربیہ

مستشارت

[illegible]

ابو الحسن علی بن ابی القاسم علی

ابنہ حضور محمد اکرم بن عبدالمطلب علیہ السلام کی ولادت ہوئی۔

ابن کثیر نے لکھا ہے کہ صرف ان کا نام لکھ کر بھی یہاں تک کہ جس نے ان کا نام لکھا وہ اس کی طرف سے

مجلس الادب في القاهرة في ١٢ من شهر ربيع الثاني سنة ١٣٤٢ هـ

3-11-11

سید محمد علی شریعتی

مجلس شورای اسلامی

ایضاً

لعمركا محمد بن أبي جعفر محمد بن علي بن محمد الخليل الشافعي

الشيخ الفقيه أبو البركات محمد بن أبي جعفر محمد بن علي بن محمد الخليل الشافعي

محمد بن أبي جعفر محمد بن علي بن محمد الخليل الشافعي

صالح بن أبي جعفر محمد بن علي بن محمد الخليل الشافعي

أبو جعفر محمد بن علي بن محمد الخليل الشافعي

أبو جعفر محمد بن علي بن محمد الخليل الشافعي

أبو جعفر محمد بن علي بن محمد الخليل الشافعي

أبو جعفر محمد بن علي بن محمد الخليل الشافعي

محمد بن أبي جعفر محمد بن علي بن محمد الخليل الشافعي

محمد بن أبي جعفر محمد بن علي بن محمد الخليل الشافعي

محمد بن أبي جعفر محمد بن علي بن محمد الخليل الشافعي

الحسن الناصر بن علی بن الحسن علی المسکری

امام زید پیر و ملک حلیم و صاحب کتاب مقارن که آن کتاب را ناصر بن کریم
و چون محمد زید الداعی طبرستان بکوفت حسن ناصر همراه او بود و خواهر
محمد بن زید و در کالج او بود و رافع بر طبرستان غلبه کرد و الحسن الناصر را
بکوفت و هزاران زنانه نزد او برد و آن ناصر بزرگوار را بکوفت و از آنجا
فرستاد که و چنان سال مردم را اسلام دمویت کرد و در جادی اول
سنه احدى و ثلثمائة طبرستان را بکوفت و در سال ملک لیثان بود
و بعدا ناصر کوفت نام نهاد و عظیم شد و او در سنه اربع و ثلثمائة
بآمل وفات یافت و او را در سنه اربع و ثلثمائة و سی و هفت کشته اند و او

بخی سال

بخی سال

الحسن بن علی بن ابی طالب و زید بن محمد انصاری بن الحسن بن علی بن ابی طالب

محمد بن علی بن زید

الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب

الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب

الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب

الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب

الحسن بن الحسن بن علی بن ابی طالب

عمر الاشرف

عمر اشرف برادر پسران دینی زید شهید است و او بیای علم و فاضل و با مروت بود و در میان را لکرتنا و بن حیدر الشافعی
 اسیر گرفتند و بیای از صاحب جمال بعد از امتحان یکی را مال تکرار و بعد مختار اندیشه کرد اگر پنج نفر کند امر او از و برگردند
 و اگر یکی از این امر دهند میگویند از و برگردند پس با خود اندیشید و کرد و ماقب گفت که این زن را جعفر نام زین العابدین علیه السلام
 میباید فرستاد و عمر برین اتفاق کردند و آن شخص را تعلیم تا جایی خود کرد و بعد از آن یکی امام زین العابدین ارد امام ابوالمحسن
 کرد از و هر آمد یکی عمر اشرف که اسیر بود و بعد از آن زید شهید و کنیت او جعفر است او را شون از برای آن کرد که او را امام
 زین العابدین است و امام زین العابدین پس امام زین العابدین حیدر است و علی بن ابی طالب است و این فاطمه زهرا است و رسول اله است و بعد از آن
 داند یکی از امامان ائمه است علی بن ابی طالب است و عمر اشرف از جعفر شاد و ندیدد و کرد دختر حضرت رسالت است و عمر بن ابی طالب است
 علی بن ابی طالب است و عمر اشرف دارد از جعفر لیث بن ابی طالب است و عمر بن ابی طالب است و عمر بن ابی طالب است و عمر بن ابی طالب است
 و در بنی جعفر و از جعفرین واقع است اسحق بن عبدالله بن جعفر و اسحق بن علی بن ابی طالب است و اسحق بن علی بن ابی طالب است
 و بنی جعفر و از جعفرین واقع است اسحق بن عبدالله بن جعفر و اسحق بن علی بن ابی طالب است و اسحق بن علی بن ابی طالب است
 از جعفر شاد و کرد فاطمه زهرا است و اسحق بن عبدالله بن جعفر و اسحق بن علی بن ابی طالب است و اسحق بن علی بن ابی طالب است



ابن منصور بن أبي الحسن بن علي بن محمد بن الحسين بن علي بن أبي طالب
نقيب

بكر بن الحسين بن علي بن أبي طالب

بكر بن الحسين بن علي بن أبي طالب
نقيب

بكر بن الحسين بن علي بن أبي طالب
نقيب

بكر بن الحسين بن علي بن أبي طالب
نقيب

السيف نظام الدين أحمد الحشاش والنقيب

السيد بلال الدين قاسم

السيف نظام الدين فخر الله

السيد شرف الدين عمر

السيد فخر الدين مسين

السُّوءُ شَمْسُ الدِّينِ عَلَى الْخَطَا وَالْقَبِيحِ



الحسين بن علي بن الحسين بن السيد عبد الرحمن بن عبد المطلب القتيبي بن السيد

سید محمد علی نقیب مختار در آن دولت سلطان تیمور که کمان بسزوار کشید و بلاد قرغان چند ماه استقامت کرد
تا از لشکر توران عریضی نمود که چون با من و سایر راج و غنیان آن دیار بودند و در حق کثرت سلطنت سلطان
شاه رخ سیه خود باز بیلان بسزوار تر و از خود و ندانان بزرگوار بزرگوار تو نشین بودند که اسیر لشکر رخ را برفتند چون بیلان خان
هله رسید و محنت سلطان نگور را در یافتند و در آن کوچه بیاخت باقی ماند و باغ زانان و قمر و شیر و بزم ملک
شیر و اراک در ده بودند که با کافه بیک کشید و خود را از بند چو زنده دید و طر بر مردم کرد مردم هر ترسیدند و در دهان
و با باخان شدند سید ترسیدند بر یکجا و باستان شیر جان بیفتد یک شد که پنجر شیر سید کور خاستی و میزدند
اکو خاستی و دست او شیر میر سید شیر بر زمین نهادند بیک گشت چون حضرت پادشاه افکار و ارکان دولت را این حال مشاهده
کردند عظیم و تحیر احضار سید را یاد کردند چنانچه مردم را عجب آن حال شده و آن عظیم و ایشان را از پادشاه و ارکان
دولت او و مردم مدین فرستادند از پیش پادشاه خطای آمد سلطان منکوت فرمود که هر خلافی از بر زن و خورد و در سر رسید فزای که
که از الجی هر چه شنیدند الجی خطای سلطان نبود از این پیش از هر ملک بگذشت هیچ کس انتقام نکند و با کسی سخن نگفت چون ویدار میر رسید
لشاد ویدار و شد و دست علی سید را بوسه داد و با آن گشت و سید را در آن عظیم و جلالت و نقابت هر قدر باحت باشد
و در ملک و سفر و در دست و ثلثین و ثمان سرفروان بافت و در آن ملک مهورن است

جلال الدين ابراهيم بن القتيب عم الدين عبد المطلب القتيب بن شمس الدين علي القتيب بن تاج الدين علي الحسن القتيب
مقيم القتيب في داره
المستقر بالله

ابو القاسم شمس الدين علي المصطفى بن عميد الدين ابو جعفر محمد المصطفى بن عز الدين ابو نزار عبد نان
مصطفى بن كافر محمد

نقیب کو فرستاد

11/11/11

सुविधा

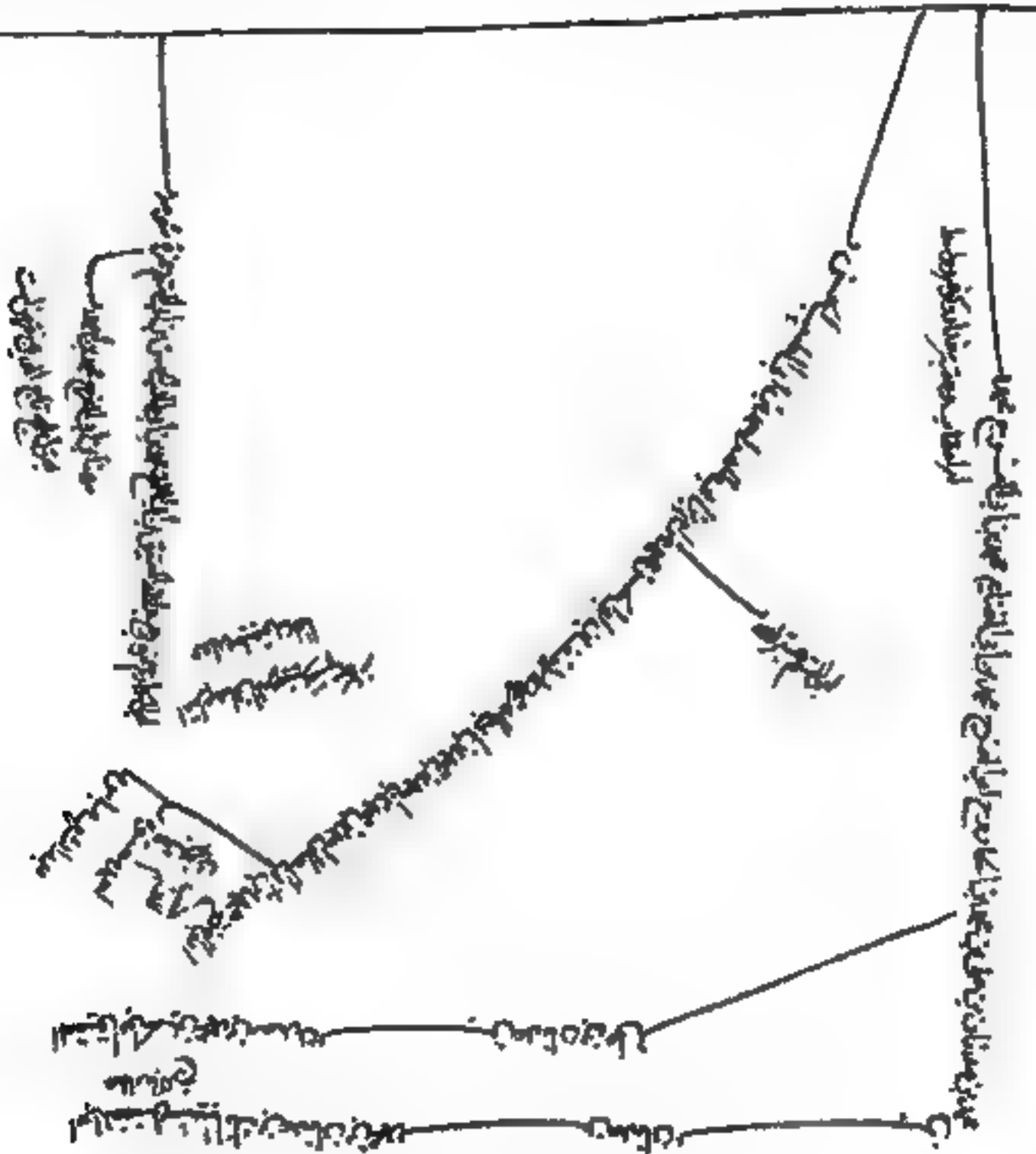
بسم الله الرحمن الرحيم

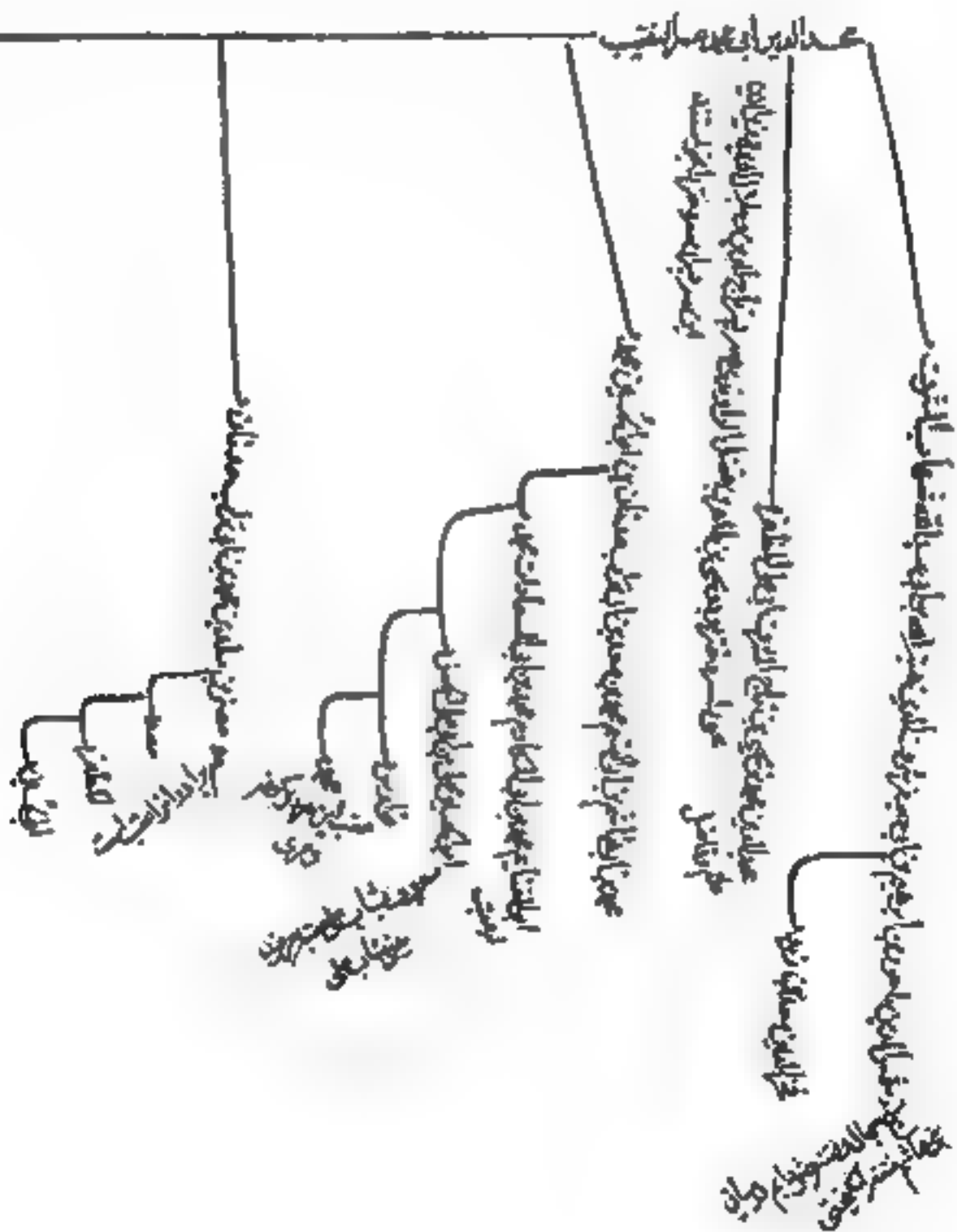
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

EL

ابو الفضل عثمان النقيب بن ابي جعفر النقيب امير الحاج

ابو الفضل عثمان





مبدأه الثاني: ينال الحق على من يصدقه اتفاق بين المصالح.

لو گدا و ریاست جبرای خود اوام و ادوات
و ده بزم سلطنت علی بن ابی طالب
مالی است و در این باب کتاب
الکون و کون

غفر الله له ولوالديه

از اوقات که در این محفل می نشستیم

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

الحمد لله الذي جعل في الدنيا ما لا يحصى من النعمان
والصالحين الذين هم خير من الدنيا وما فيها

الحسن المجتهد الحسن أبو عبد الله جعفر بن محمد الباقري

(والله اعلم بما أحسن من نصيحتنا حين نصحتك يا أيها الطالب)

ز. کمالی

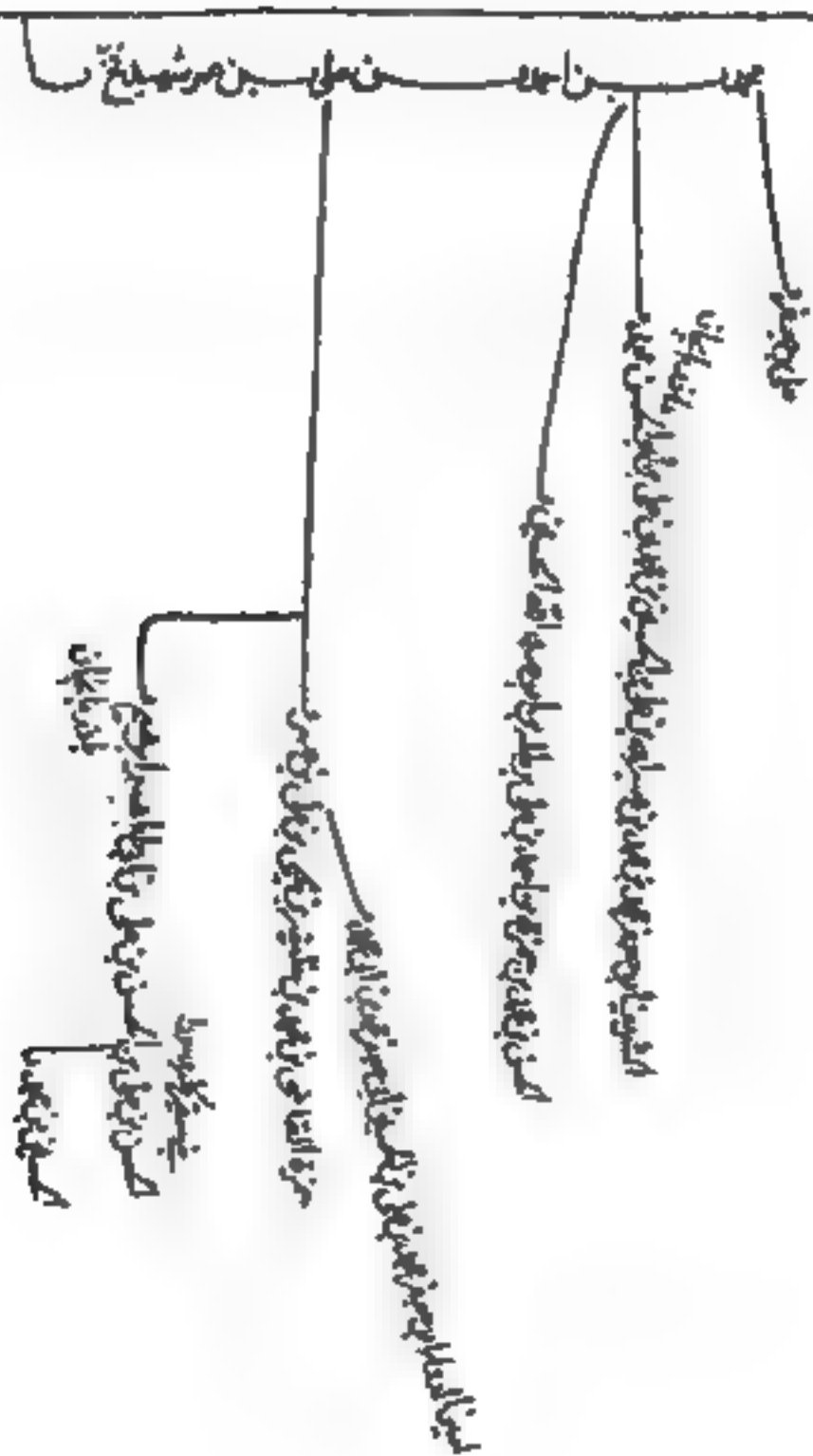
ابو محمد غفر محمد بن أبي البركات محمد بن أبي الحسن الطائفي

المجلس

66

[illegible]

از ملک آن مرد سیلی کو یک کر تیرن این بود و از حدیث دولت
گرفتند و بنی شیخ انصاری خروج کرد بر مکر با همراهِ اهل ساج بآلماق
رفتند و اذیت کردند تا پنج سنه و در سنه و سی و هجری بمکه
رفتند و بنی اهل ساج را در ساج و در ساج و در ساج و در ساج
حسن بن علی بن عباس و ائمه و سیلی از اهل بیت کردی
هستند و در ساج و در ساج و در ساج و در ساج



زيد بن ابی الحسن طاهر بن محمد بن عبدالله الشهداء

اولاد ابو محمد بن بشار و...

الا بن ابی اسحاق بن محمد بن عبدالله بن ابی اسحاق
من مخرج حرمه و وفات کرد و قبرا و دفن یافت می کنند و من مخرج است

عبدالله شهید و زنی هم از حسین بن علی صاحب فخر و دین و جای خود
نماین کرده بود چون لشکر حسین را جمع نمودم شد عبدالله را بگرفتند
عبدالله را نزد کوفه ها بردند و نزد یک شهید و چند شهیدان را بگرفتند و بگرفتند
بسی پسر و حیدر بن محمد بن بشار و بگرفتند و نزد یک شهید و چند شهیدان را بگرفتند
همی بن عبدالله را در غده و در یک کشت و سر او را ببردند و نزد یک شهید و چند شهیدان را بگرفتند
آورد و گفت من و شما را ببردند و بگرفتند و نزد یک شهید و چند شهیدان را بگرفتند
گفت یا امیر و احکم قتل میکنی گفت بگرفتند و بگرفتند و نزد یک شهید و چند شهیدان را بگرفتند
بنا حسن

ابن الحسن بن علي بن أبي طالب بن علي بن أبي طالب بن إبراهيم

أبو الحسن بن علي بن أبي طالب بن علي بن أبي طالب بن إبراهيم

أبو الحسن بن علي بن أبي طالب بن علي بن أبي طالب بن إبراهيم

أبو الحسن بن علي بن أبي طالب بن علي بن أبي طالب بن إبراهيم

أبو الحسن بن علي بن أبي طالب بن علي بن أبي طالب بن إبراهيم

أبو الحسن بن علي بن أبي طالب بن علي بن أبي طالب بن إبراهيم

أبو الحسن بن علي بن أبي طالب بن علي بن أبي طالب بن إبراهيم

أبو الحسن بن علي بن أبي طالب بن علي بن أبي طالب بن إبراهيم

أبو الحسن بن علي بن أبي طالب بن علي بن أبي طالب بن إبراهيم

أبو الحسن بن علي بن أبي طالب بن علي بن أبي طالب بن إبراهيم

ابو عبد الله الحسن بن علي الحسين بن علي

[illegible]

سید لاویہ محمد صالح علیہ السلام

مؤلفان

ابن الجوزي القائل من أكل من أكل الناس يعني

ابن تیمیہ کا ذکر ہے کہ

بیت

—

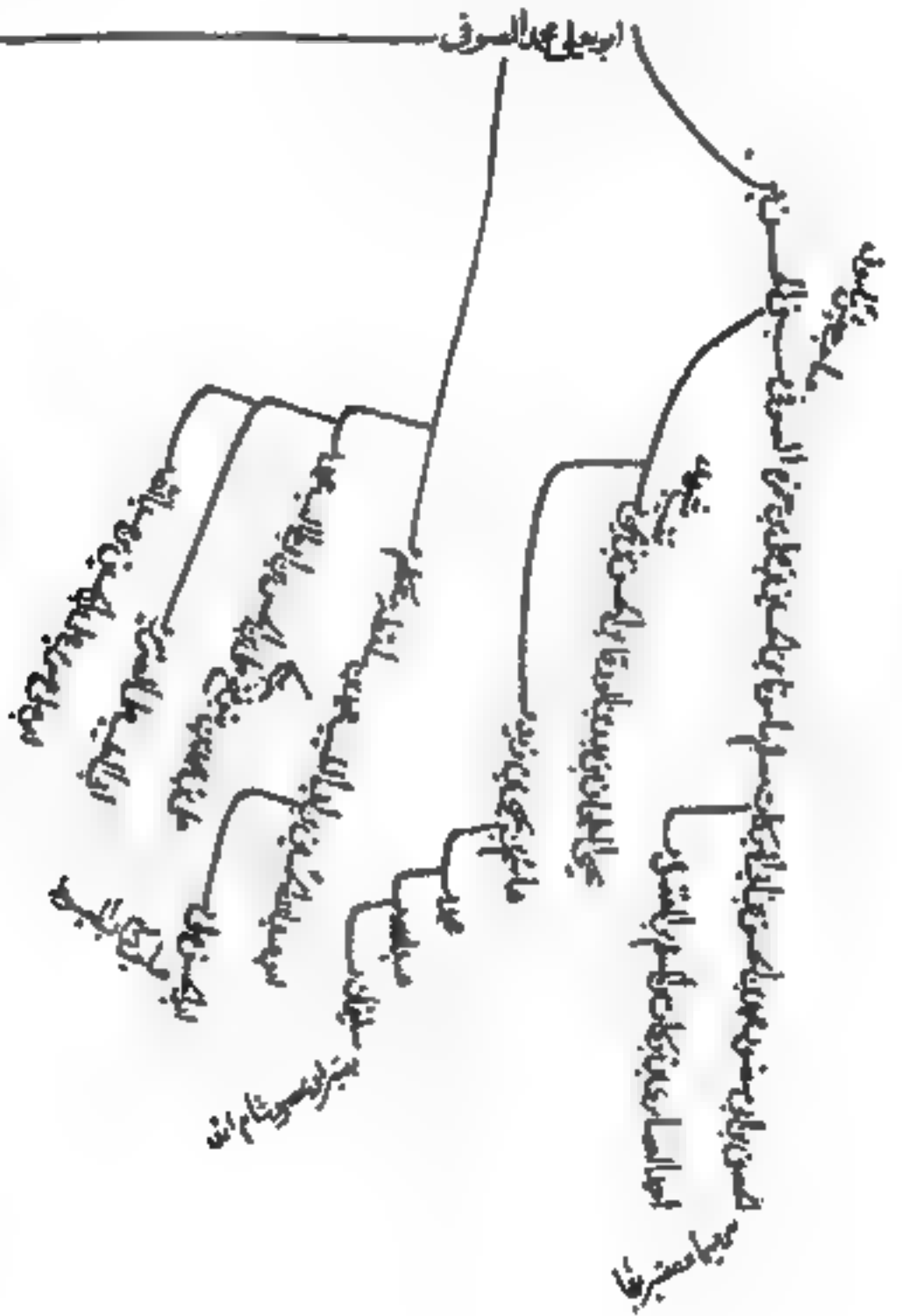
Landmark

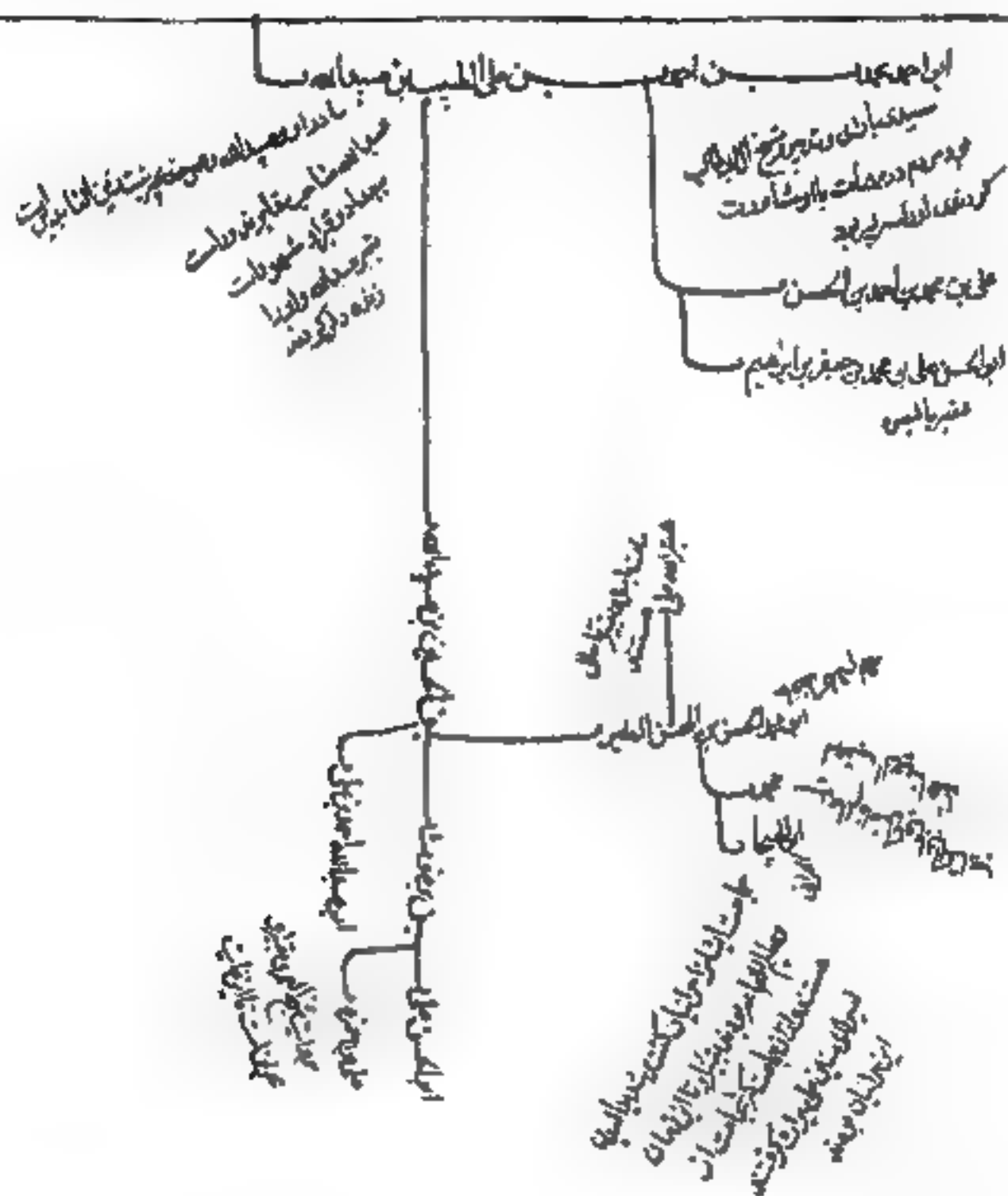
١٠٠

الشيخ محمد بن عبد الله

5

10





تجارت و بازرگانی
علاوه بر این، در زمینه بازرگانی
علاوه بر این، در زمینه بازرگانی
علاوه بر این، در زمینه بازرگانی

مجلس شورای اسلامی

سید الشہید

محمد بن عبد الله بن محمد بن عبد الله

مفتی محمد شفیع صاحب دہلوی

الشيخ محمد بن عبد العزيز بن محمد بن عبد الله بن عبد الرحمن بن عبد الوهاب بن عبد المحسن بن عبد المطلب بن عبد مناف بن قصي بن كلاب بن مرة بن كعب بن لؤي بن غالب بن فهر بن مالك بن النضر بن كنانة بن خزيمة بن مدركة بن إلياس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان

در بیان این موضوع

سیدنا محمد بن عبد اللہ

10/10/10

5.

الطبري

۱۰۸

عمدة بن قتيل

عتیل بن ابی طالب را بریزید تا که کشتن طعمه انساب قریش و عرب بسیار دانا و زیاده
 آورد صاحب جلیب بود و لهذا ابی و ابی یار دوست داشتی جنگی مثل کشته امانی احیک
 حین جبالک و صاحب ابی طالب که در روز مزاج بدو صلی قریشی بود چون لشکر
 که از منورم شد که اسلام عتیل را بگرفتند و میرا بنایا که در اسلام مغرب بود از هم
 او عباس بنستانند و در صفین که بنیان معویره و حضرت امیرالمومنین علیه السلام بنک
 واقع بود از هم و معویره بود تا سرپیکر معویره بنیانی در روز صفین عتیل
 را گفت که ما را چه فرست که بریزید ابی است عتیل در جلیب معویره کشت کرد و روز نبرد
 نیما با هم آن در صفین از ان صاحب بنی چون بود و هر که امروز بنی باشد

عتیل بن ابی طالب
 عتیل بن ابی طالب

عتیل بن ابی طالب
 عتیل بن ابی طالب

عبد بن محمد بن يعقوب بن أبي جعفر

بن داود بن

مفضل

بن جعفر

داود بن

بن داود

يعقوب بن

بن داود

مفضل بن

بن داود

جعفر بن

بن داود

زبير بن

بن داود

شاذل بن

بن داود

اسماعيل

بن داود بن

بن داود

بن داود

بن داود

بن داود

صفة	أحمد بن إبراهيم بن أحمد	أحمد بن إبراهيم بن أحمد	أحمد بن إبراهيم بن أحمد	أحمد بن إبراهيم بن أحمد
			أحمد بن إبراهيم بن أحمد	أحمد بن إبراهيم بن أحمد

داود

في سنة ١٠٠٠ هـ

في سنة ١٠٠٠ هـ

في سنة ١٠٠٠ هـ

في سنة ١٠٠٠ هـ

في سنة ١٠٠٠ هـ

في سنة ١٠٠٠ هـ

في سنة ١٠٠٠ هـ

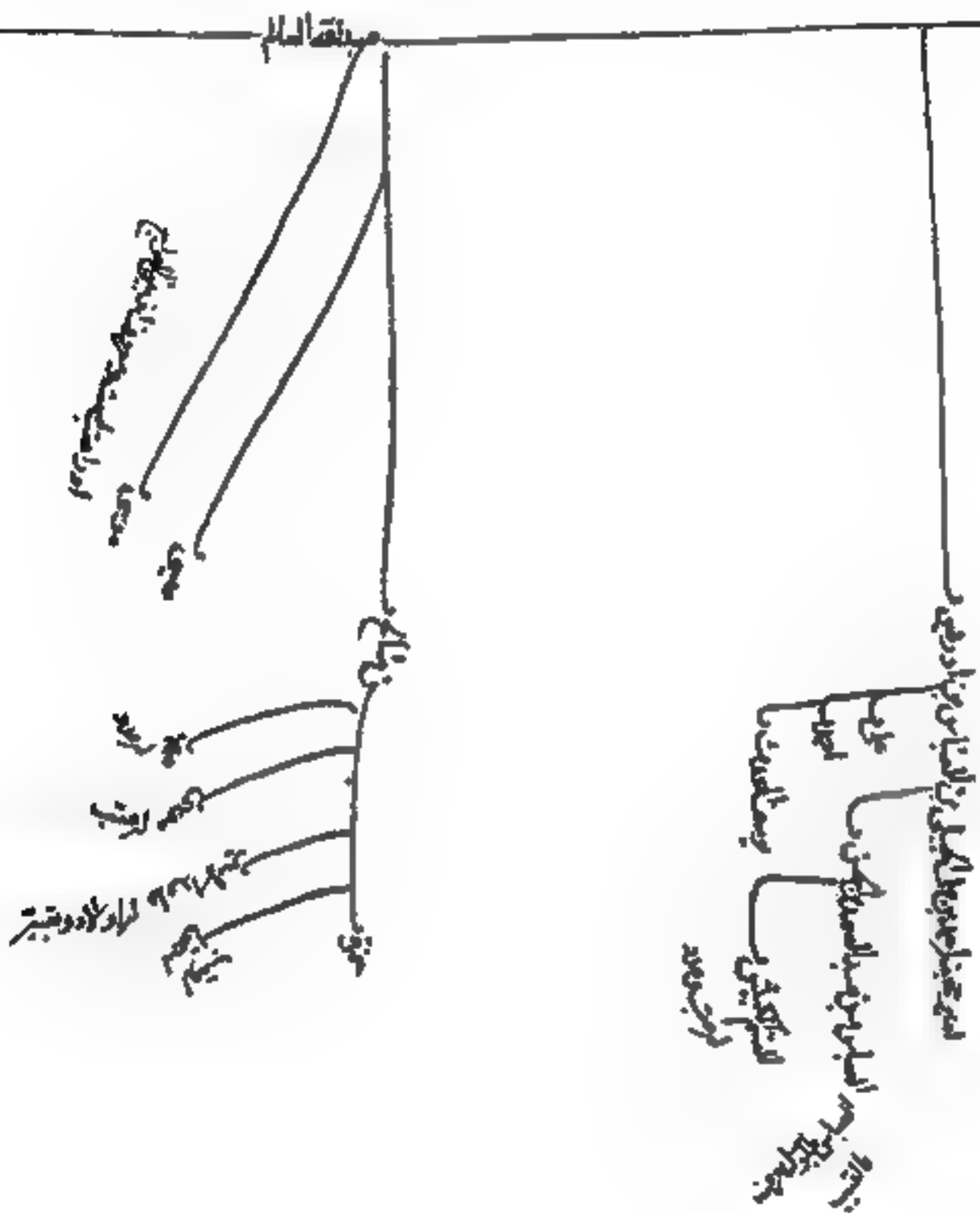
في سنة ١٠٠٠ هـ

في سنة ١٠٠٠ هـ

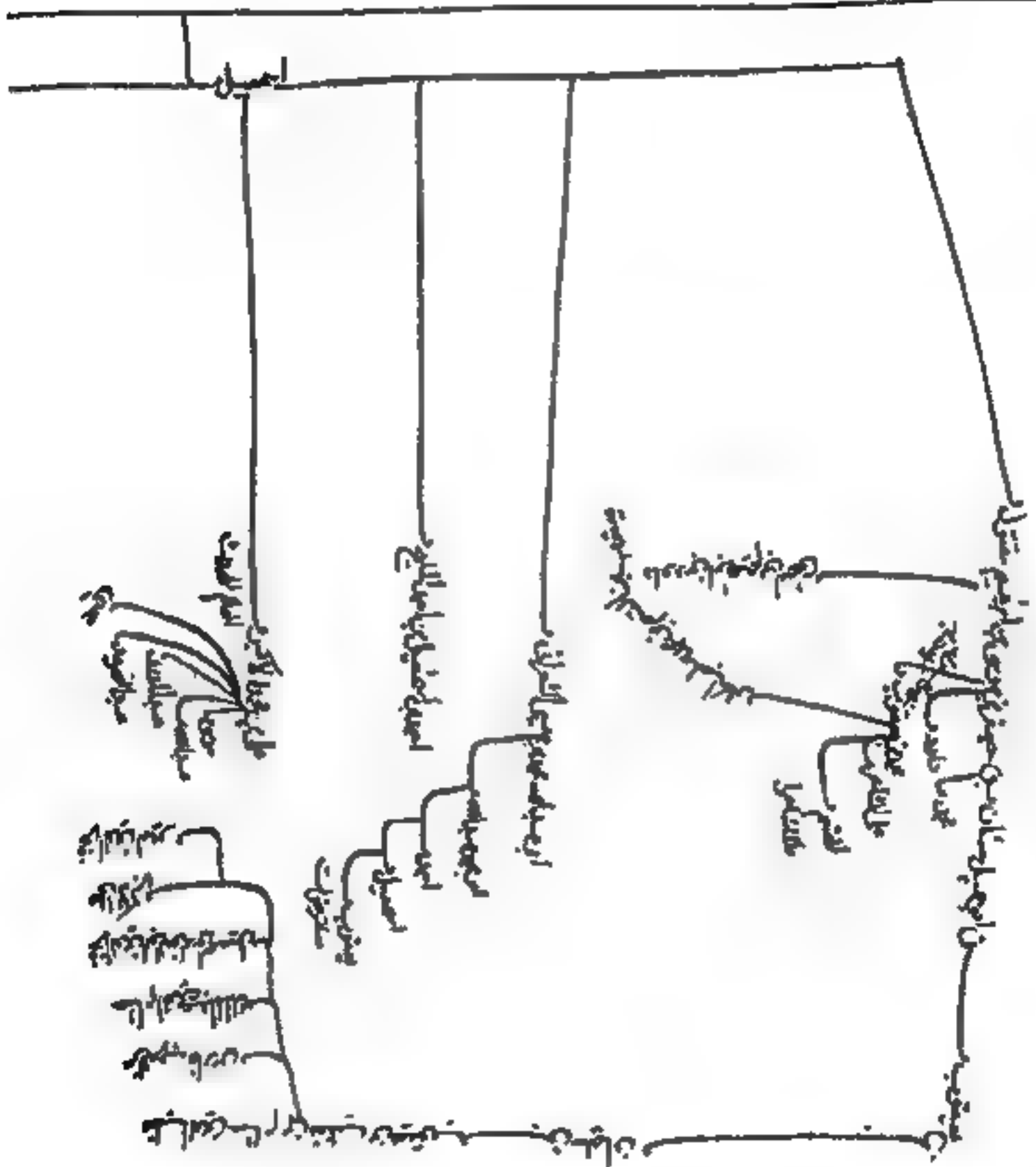
في سنة ١٠٠٠ هـ

في سنة ١٠٠٠ هـ

في سنة ١٠٠٠ هـ







إلى طالب

حجیر بن حسی القنادی و

54

4

2548

مقدمه

مصادر

انہوں نے

بها در خلافت بنی العباس بود و بیست و یکم نسبت با بنی علی السلام تا او در شیراز از خود درخت
سقا و درین بهر مع بود و همدان سال وفات یافت و در ایام او بنی علی بن الحسین بن علی بن ابی
حسن راج کرد و خاندان بنی علی بن ابی طالب را در آن وقت کشته کردند و هفت هزار تن را کشتند
و فرستاد و خاندان در میان بود و در آن وقت پند یحیی دادند که پیروی خلافت نبشتند و ایام
او پیش مردم میفرمودند و میگویند که من در آن وقت داشتم که می دانم که ما
دوست و لشکر و خاندان و بیست و پنج سال که در آن شهر میبودیم و هیچ امری را نشناختیم و ما را
وفات یافت و در آن خلافت او یک سال و یک ماه و بیست و یک روز بود

ابو حنیفه المهدی ع

سیم خلیفه عباسی بود و نسبت باخی حیت و دهم تا در شهری و دختر مشهور بنام بلبلین
سم بنای سیم از فرزندان ملوک حمیری و در میانین ذات یافت در مکر و روز ذات مشهور
با او پخت کردند مخصوصا مال بسیار جمع کرده بود مشهور هر را بختش کرده بودند اندک مرتفع
در وقت پادشاهان و مردی یک چشم بود و در شهر طلیحات و در تمام داشت و بر مذهب
شیخ خود تمام او حکیم بود پس سرور در زیارت اجداد و عیال کردی که چون بان بهر عالم از تن
و عیال آمد در مکر و تاس به کوه آمد بنی من در آمد است و من چون عیال خودیم خلیفه ملوک
مسلم اگر امیر و شوالان بود و فرمود تا او را بدست آورد متع از نریمان کریمت و کثرافت
و انجا طلبها بخت کرد طبع کردی و با انگر حکیم سوری درین صوبه با او سواد دین و سواد
هم از خدی تا آفتاب و ماه و بر روز و چاه کش و می کند طایفه و میج خلق را از نریمان کوست کرد از
عشر مطلق بلان طلم قنبر شدند و اخرا الامر و ملوک اسلام را بدست آورد و یکشب در منزل در
ملوک از نریمان با او هستند و کیش و اعتقاد حق را می جان دارند و مهدی جعل و سر را از به و در و بر
و دین از احوال اجداد شیخ شریعت و سیم هم مشرف و سیک و ملت و طاعت یافت و در وقت
خلافت او ده ساله یک ماه و شانزده روز و یکصد و یک روز و شصت و یک روز و شصت و یک روز و شصت و یک روز
انگار خود دور مکره اند

عبدالله بن محمد

عبدالله بن محمد

عبدالله

عبدالله

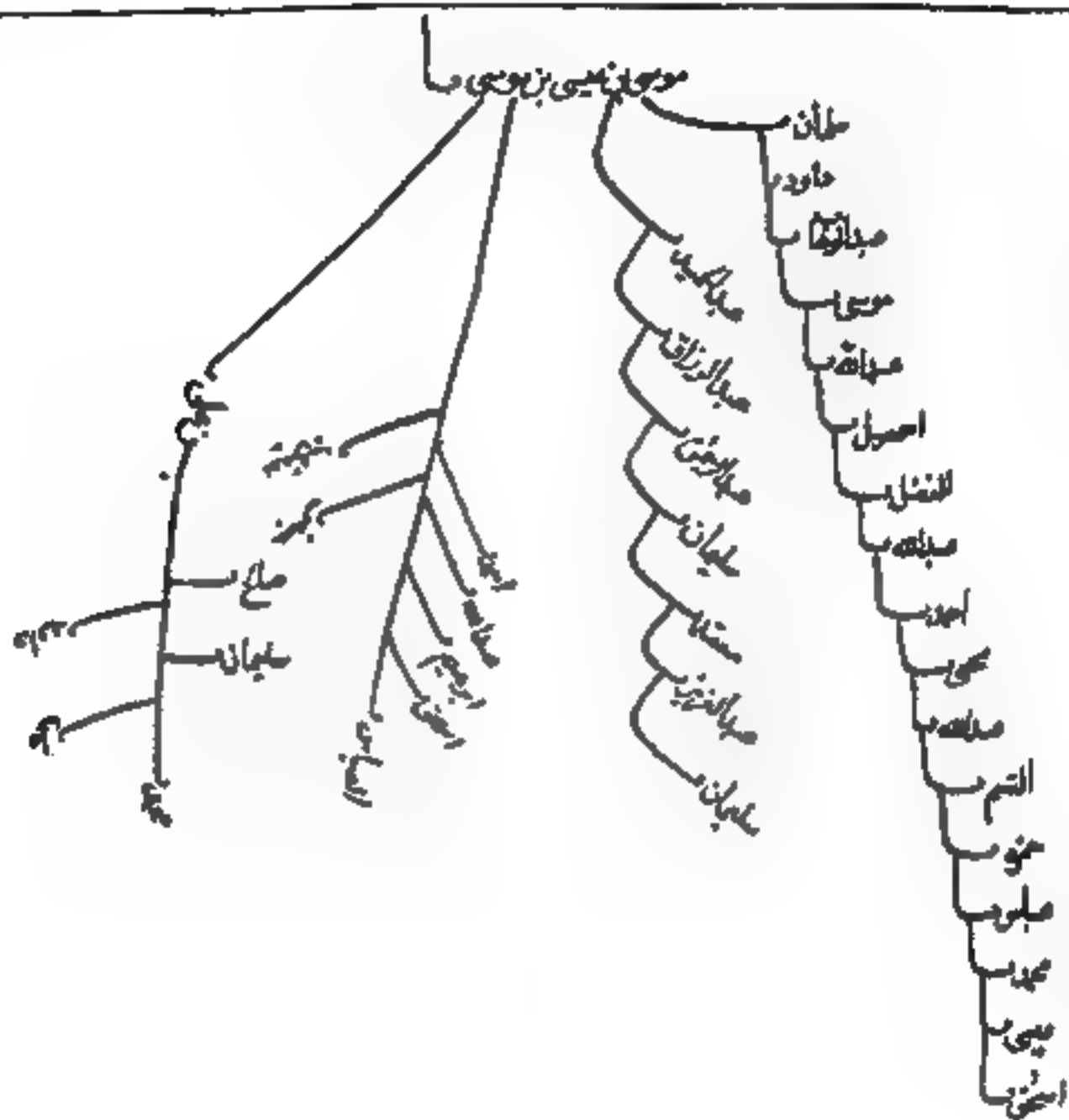
عبدالله

عبدالله

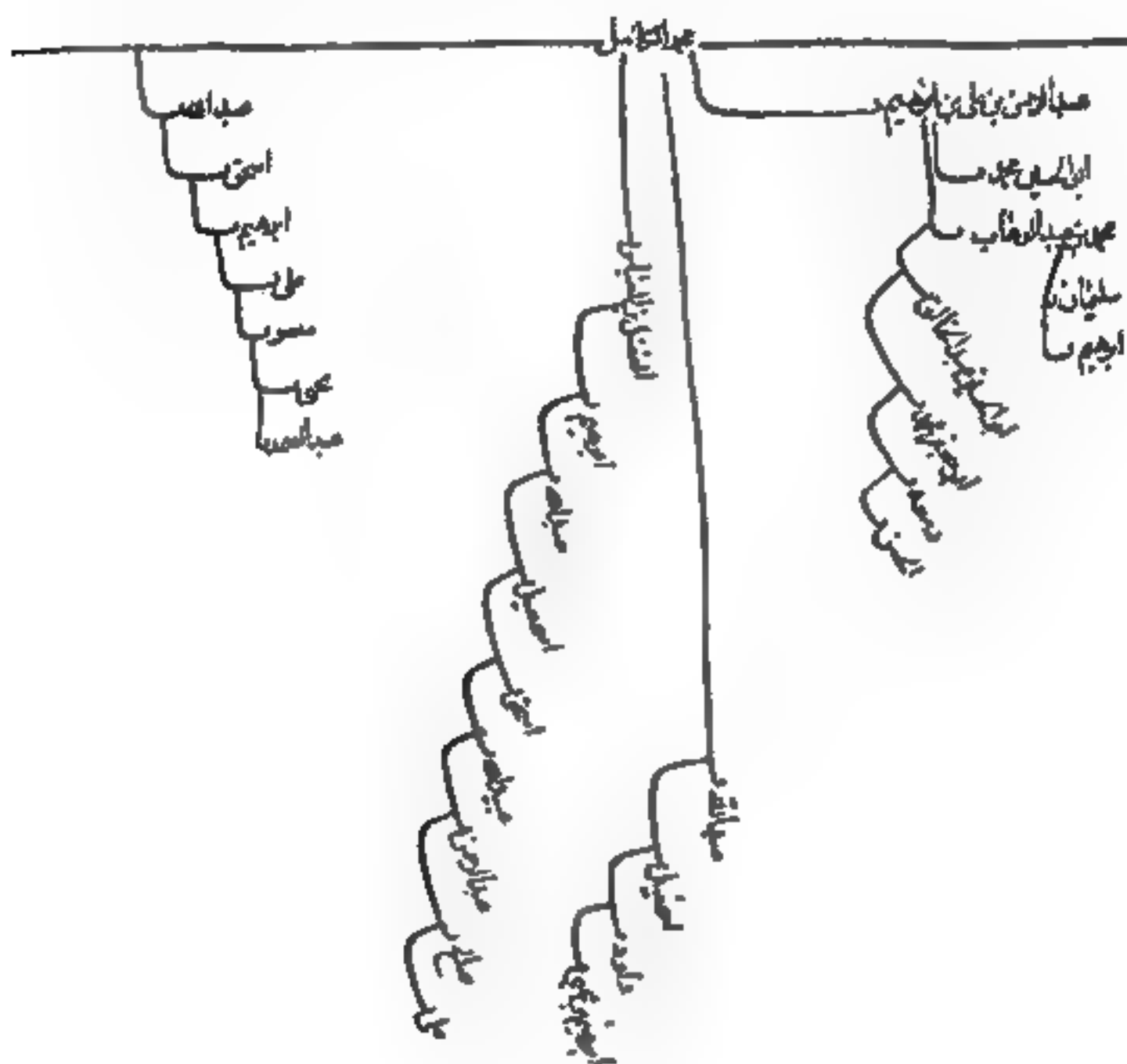
عبدالله

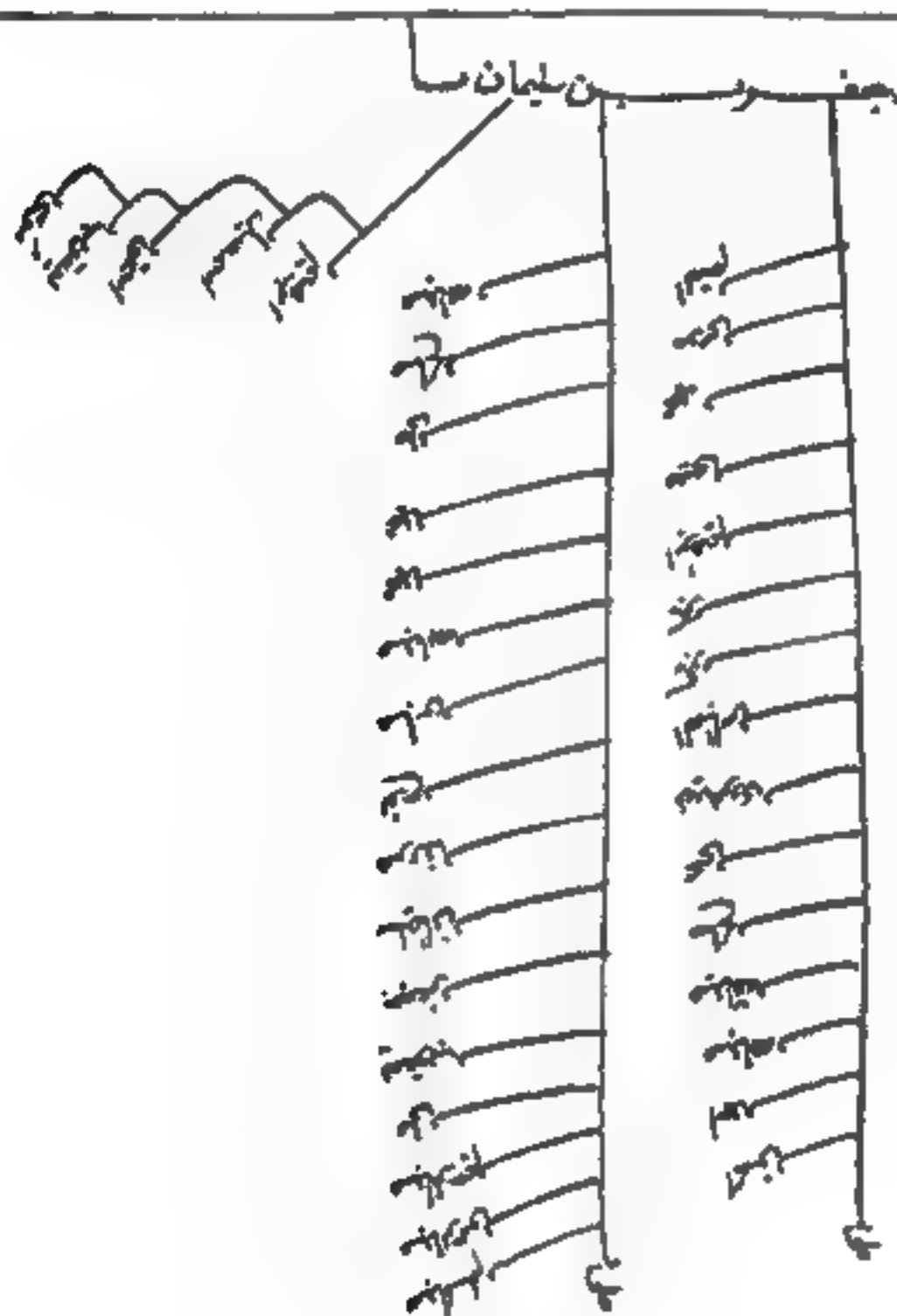
عبدالله

عبدالله



ابراهيم سيب طوبى لثناي الفلاح مبدقه ما





حضور

[illegible]

ایشان ترسیده اند، بنابراین، بعضی از آسمودس مدینه هرگز تفریت کشکان نه میباشند، آنان معجزه پیش و معجزه حقیقت نبات
جمع آید و خواستند که تفریت نه بداند، این معجزه با خبر کانیات مشاریت کرد، ظاهر خود فکر اگر از آن کیم این معجزه
هرگز که تفریت کشته خود می دارد که تفریت حمره نیز بداند، آنان وقتاً این فعالیت هرگز کرد و معجزه را که کشته معجزه در آن حمره
میباشد و مردم از آن کیم که حمره شهید را بشرب خود من و من و من نسبت کنند، از ندایتان ترسد و انعام بالصواب

مبارك
اسم على الاسم المبرور

الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور

الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور

الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور

الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور
الاسم المبرور

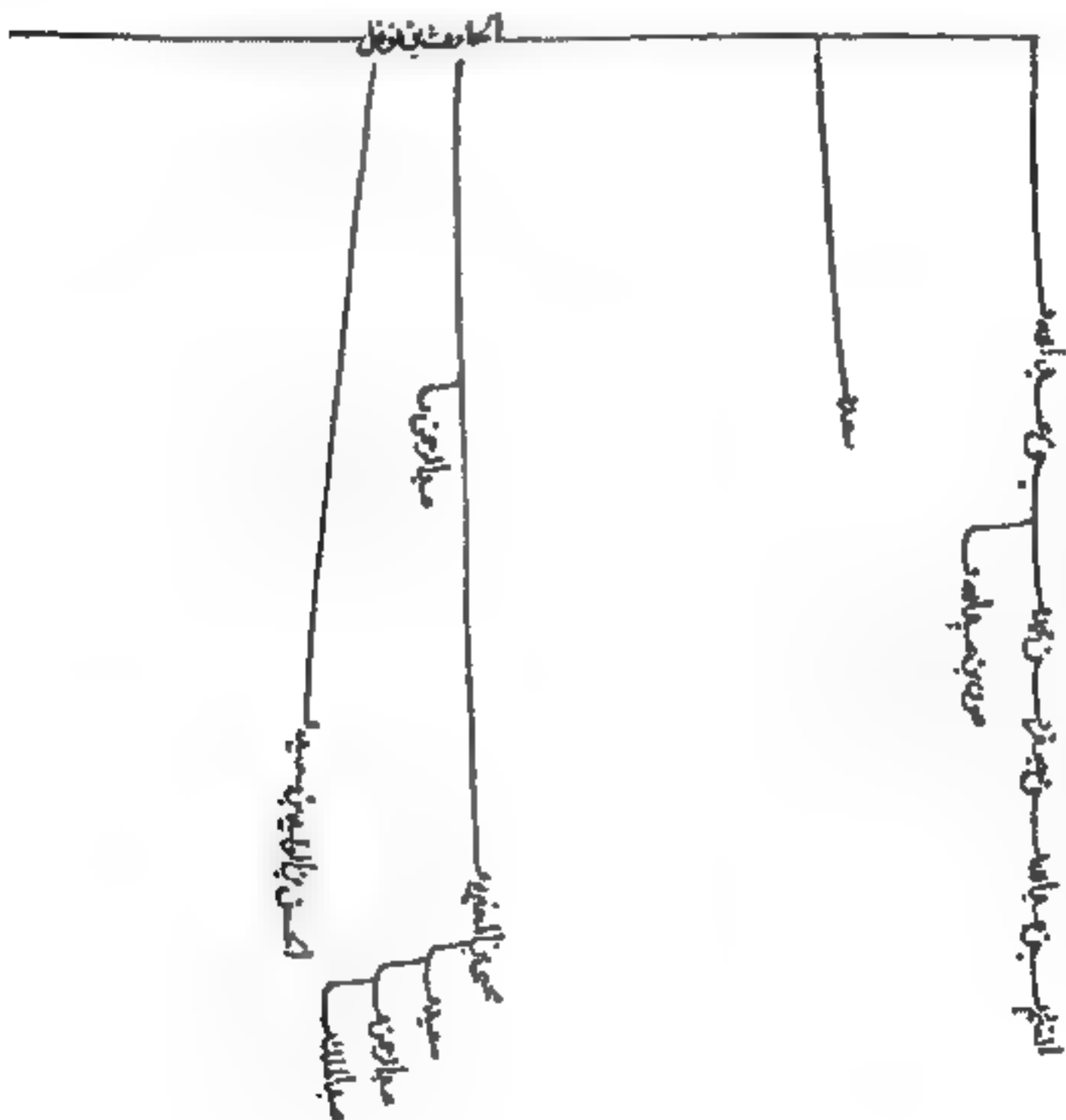
الاسم المبرور

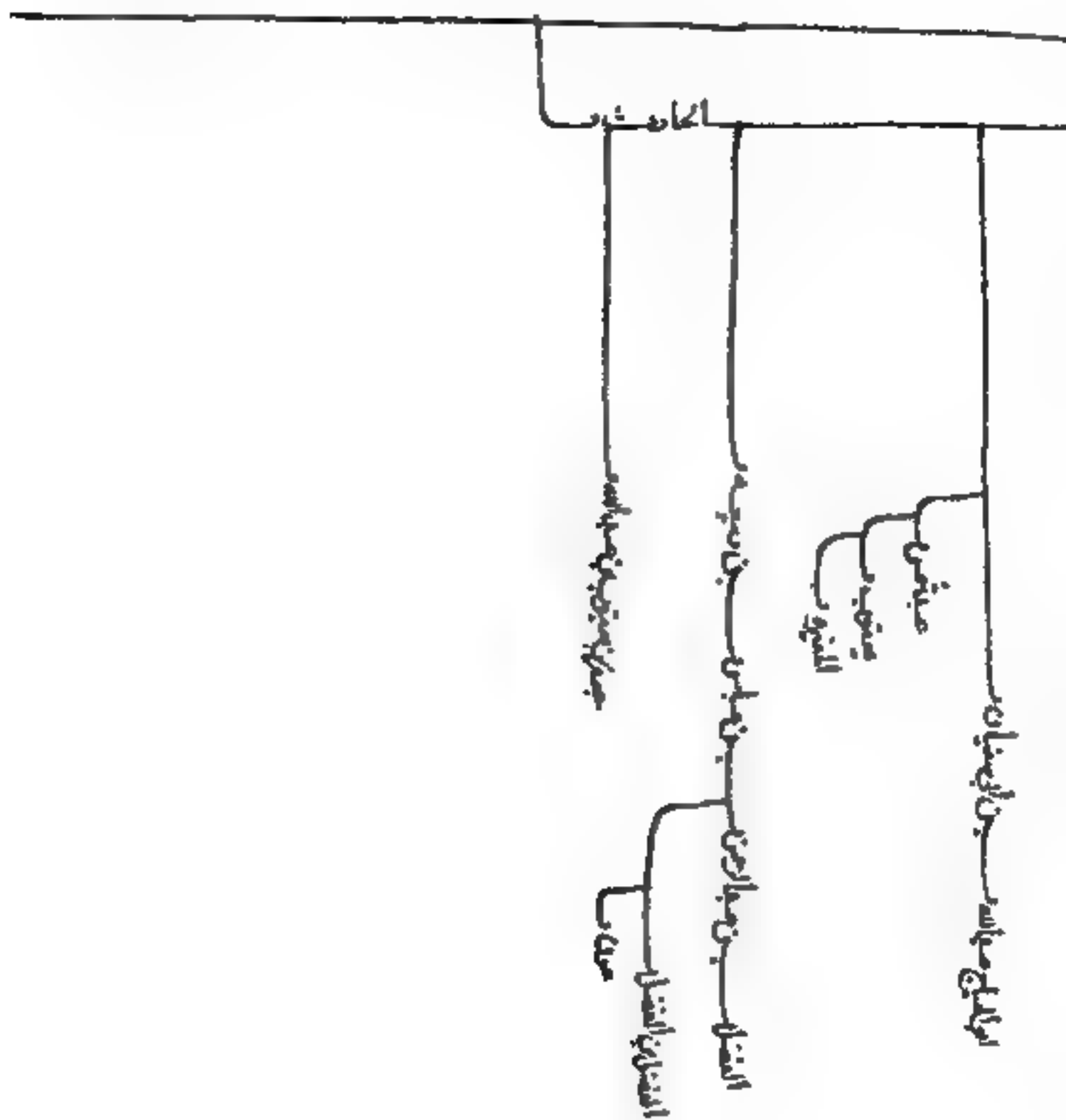
الاسم المبرور

الاسم المبرور

گو گفت یا رسول الله باس را و ما کنیم گفت در ما سخن او و جان ما را که اولی ما را و بن فرستاده عقیل و سپهر خمار او را نیز که در روز چون
غیر و شورش باس گفت که من پر خور و غیر و پس نامه طیاره عمار که کاران است نامه انهم باس گفت یا امیر المؤمنین یا علی بن ابی طالب گفت
یا امیر المؤمنین و اثنی که کسی به صاحب حق نبوده است هر روز آمد و نماز و فضیلتی گفتی که ظاهر و غیر و خلون و منع است اگر استیجاب است
نقرون کن و خرج یا آن کن از آن غیر و غیره ای ما به است باس گفت یا امیر المؤمنین یا علی بن ابی طالب گفت یا امیر المؤمنین یا علی بن ابی طالب گفت
غیر و به و سلطان شود باس غیر و غیره ای ما به است باس گفت یا امیر المؤمنین یا علی بن ابی طالب گفت یا امیر المؤمنین یا علی بن ابی طالب گفت







فاطمه الزهراء

فاطمه زهرا علیها السلام از فرزندان ائمه اطهار است که در میان شیعیان جایگاه ویژه‌ای دارد. او از اهل بیت است و به واسطه این مقام، در تاریخ اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. فاطمه زهرا در جوانی با علی بن ابی طالب ازدواج کرد و از او صاحب چهار فرزند شد: حسن، حسین، زین‌العابدین و علی‌اکبر. فاطمه زهرا در دوران حیات خود، شاهد وقایع مهمی در تاریخ اسلام بود، از جمله واقعه کربلا که در آن روز، او را در میان کوفت‌های کربلا دفن کردند. فاطمه زهرا در سال ۶۱ هجری قمری در مدینه منوره درگذشت و در آنجا به خاک سپرده شد. فاطمه زهرا در میان شیعیان به واسطه مقام ائمه اطهار، جایگاه ویژه‌ای دارد و به واسطه این مقام، در تاریخ اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. فاطمه زهرا در جوانی با علی بن ابی طالب ازدواج کرد و از او صاحب چهار فرزند شد: حسن، حسین، زین‌العابدین و علی‌اکبر. فاطمه زهرا در دوران حیات خود، شاهد وقایع مهمی در تاریخ اسلام بود، از جمله واقعه کربلا که در آن روز، او را در میان کوفت‌های کربلا دفن کردند. فاطمه زهرا در سال ۶۱ هجری قمری در مدینه منوره درگذشت و در آنجا به خاک سپرده شد.

فاطمه زهرا علیها السلام

فاطمه زهرا علیها السلام

فاطمه زهرا علیها السلام

فاطمه زهرا علیها السلام

فاطمه زهرا علیها السلام

وَمِنْهَا

المكمل

وہی

[illegible]

او را بهیچ دلیلی نیست سخن بگوید و در آنجا که مطلقاً او بشیر فرستاده میگردانند و آنست که او را بخی کند چو بدست از پرده
 ظاهر بود او را مطلقاً داد و درین باب نیست خدود و جزایست و ز قاف فرس و چند گاه مدعا نه بپذیرد و حالت گردن جگر بار ده سنگولات کرد و هر
 اخبار مذکور است و متفق علیه که در هیچ سنگور و بکر محلیت یکی مان بست ظنیر و او ظاهر صیر لکلی بود و مدعا نه رسول علیه السلام و حالت بیامت دیگر
 ظاهر نیست یا ازین بکرین کلام بعضی است که این حالت چشم بشیر نیست و گویند که اگر این حالت نیست و بیامت و وفات در حال
 او بود و چهارم خلق است ازین اخبار و میدان حق است باز داشتیم لیست اکثر روح زنی بود و از سفیر در محلیت که مواخواه بفر
 او را بخیست مردم آن زن گفت که رسول را قبول نخواهد کرد پیش بفر آید آن زن گفت مرا دست باز و در کفستان داشت هر چه پیش او می
 دیگر و کلام کرد و بکلام عافی و غرام طالب را و دوم صغیر نیست علم چون در بجهول کرد و دیگر صغیر نیست یا سانه گفتاری که او را به کوفت بود
 چون که او را بیا مدعا بفرمود و بفرمود اند شوهر خود را قبول کرد چهارم صغیر نیست یا سانه خطیر کرد چشم حزن و ختر جانست بنیاد است و او بفرمود
 کثیران سر برداشت بکر یا نه نیست و او ازین بفرمود و بفرمود بفرمود بفرمود بفرمود بفرمود بفرمود بفرمود بفرمود بفرمود

مباحث

بر مبادی و بر شتر اگر قرار می‌داد الله است شتر نایب است کن تا تو بر شتر است که ندانم از من نیز بین کریم است
شتر نایب است می‌کند تا بعد سید تو بر شتر است و شتر است از آن که تو این تو بر شتر است و شتر است که ندانم
بدین جهت حنوت خارج خود را این را بدین گفت عیسیٰ علیه السلام

هشتم

صفی
فاطمه
حفصه
منله
ابوحنی
خلده
خزالدین اسد
خبر

چون حدیث خود را گفت یافت خاتم را و می کرد و این که بعد از اتفاق نام داشت اسم عالم
عمول است که از اهل بیتر که تراند او را می نامند از برای آن گفتند هم فرید که اشراف بیتر نبولت
لونه که حکمران از بی بی بیست و بیجلاج می دادند و اشراف بیتر بیجلاج می داد
لونه خاتم نام نهادند و بی بی بیست و بیجلاج می دادند و اشراف بیتر بیجلاج می داد
و بیگل بعد از رحلت می کرد و تاجستان بشام و قزستان چین و در مکران واقع شد
و در سال یازدهم چنانچه در قرآن مجید و در داستان که در طراز التک و النصین و اکو و ایران
حدیثان خود را می کرد و بی بی بیست و بیجلاج می دادند و اشراف بیتر بیجلاج می داد
و در سال یازدهم چنانچه در قرآن مجید و در داستان که در طراز التک و النصین و اکو و ایران
حدیثان خود را می کرد و بی بی بیست و بیجلاج می دادند و اشراف بیتر بیجلاج می داد
و در سال یازدهم چنانچه در قرآن مجید و در داستان که در طراز التک و النصین و اکو و ایران
حدیثان خود را می کرد و بی بی بیست و بیجلاج می دادند و اشراف بیتر بیجلاج می داد

و شد

شام

سعد شام بن عبد الملك ما يشعروا غزو شام بن عبد الملك الحروبي بينا زيناك بن
 وسخاوي سرساكني عن جوار شبر وفتح ماء وبيع الزنبر عن شبر وفتح
 وفات يات معك لمارت لفرز يسال وفتح ماء وبارقه وفتح

ولید میں خریدی

[illegible][illegible]

12

[illegible]

خالد

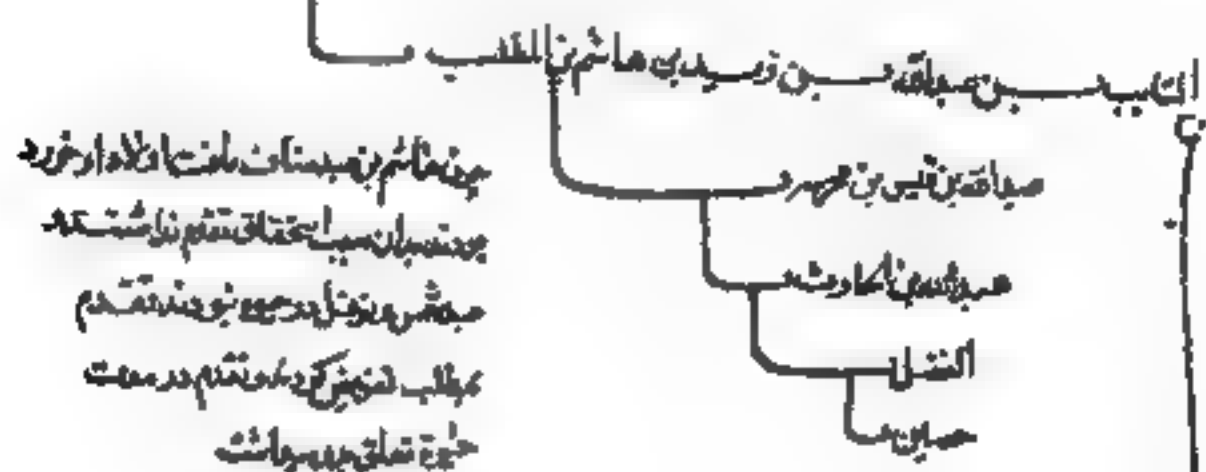
مغیر

معروف ترین و جدیدترین و بدست فنی کردن سالاد و تازه نیست و بجز مردمانی که در این
و خدای ترس و خوف و تقاریر و طایفه و شکر و میل و در یک نیت و زمانه و این که در و در خط و کت
ای هم اگر در خلقت ما چیزی هست اما این خطان کردن و اگر در این شکر است من این خط و در خط
اسلام و تمام خود را حقان کردن و این کار و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط
شک و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط
مشکل شد و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط
فان سیکند و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط

و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط
و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط و در این خط

معویترین اوصیایان بر معویترین حواسب

چون عزت خلافت بچنان رسید برین اوصیایان را که از روزگاری معوی بودند بحکومت دمشق می‌نشانیدیم در آن سال بیانات یافتند از آن مقام سویرای حکومت دمشق متبعین کو هم معوی بودند دمشق حکومت میکرد تا زمانی که مقام کشته شدند علی بن ابی طالب علیه السلام خلیفه شدند علی بن ابی طالب معوی را از حکومت دمشق عزل کرد معوی بکشتن کوفی را امر داد استراحت کردند و امر را بکشد و میان ایشان هر دو واقع شدند و بیایان نظر بلی کشته شدند و ما فتیله ای را بکشم بیخ از بیخ کشید شد معوی از سویر حکومت هر دو را بسلامت و کوفت میان او و کسین علی صلح واقع شد و بدان صلح نیز تمام نکرد اما از طرف امیر المومنین حسن و از طرف امیر میان ایشان صلح واقع شد و چون که بعد از معوی خلیفه باشند و ما در حسن صلح باشد هر دو که میتوانست حسین را خلع کرد و بیزید را که بر او غضب کرد و بوقت موت وصیت کرد که حسین علی را بیعت بزند و در آریدن سویر بعد از عثمان بن مسleme هشت ماه و نیم حکومت کرد و بیعت نمود و بعد از آن سبب سبوح و محقق بهشت خلافت کرد و او هشتاد و دو ساله بود



ابو عبد الله محمد بن علي بن أبي طالب بن عبد مناف بن هاشم بن المطلب

754

من اسباب الخوف

مصرنا العظمى من المطلب

مختلبي الحقوق

مفتی محمد رفیع

24

من المملوك بن عبد الملك

مجلس الشورى

المجلس
العلمي
الاسلامي

مجلس

14

10

4

2

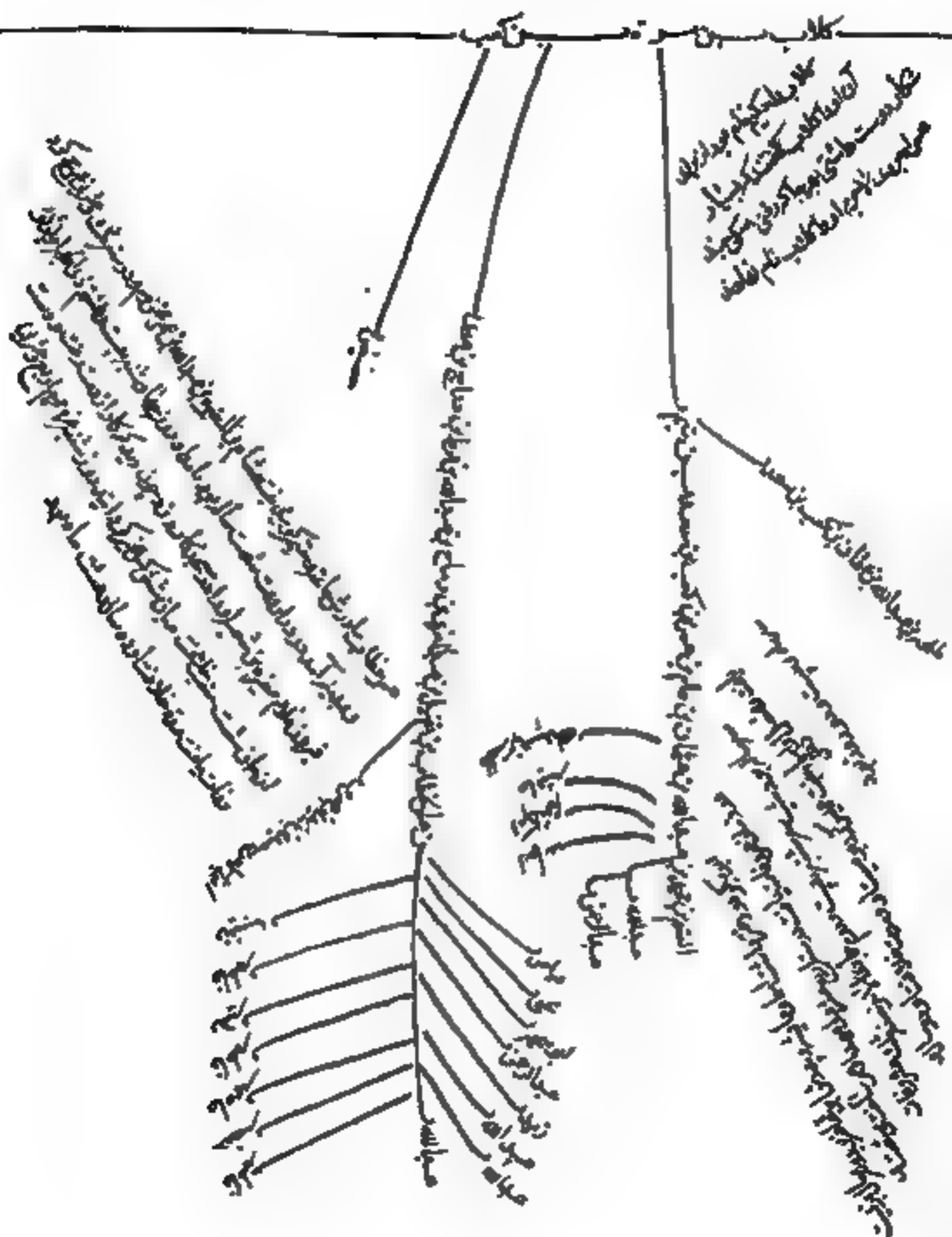
2.

5

1

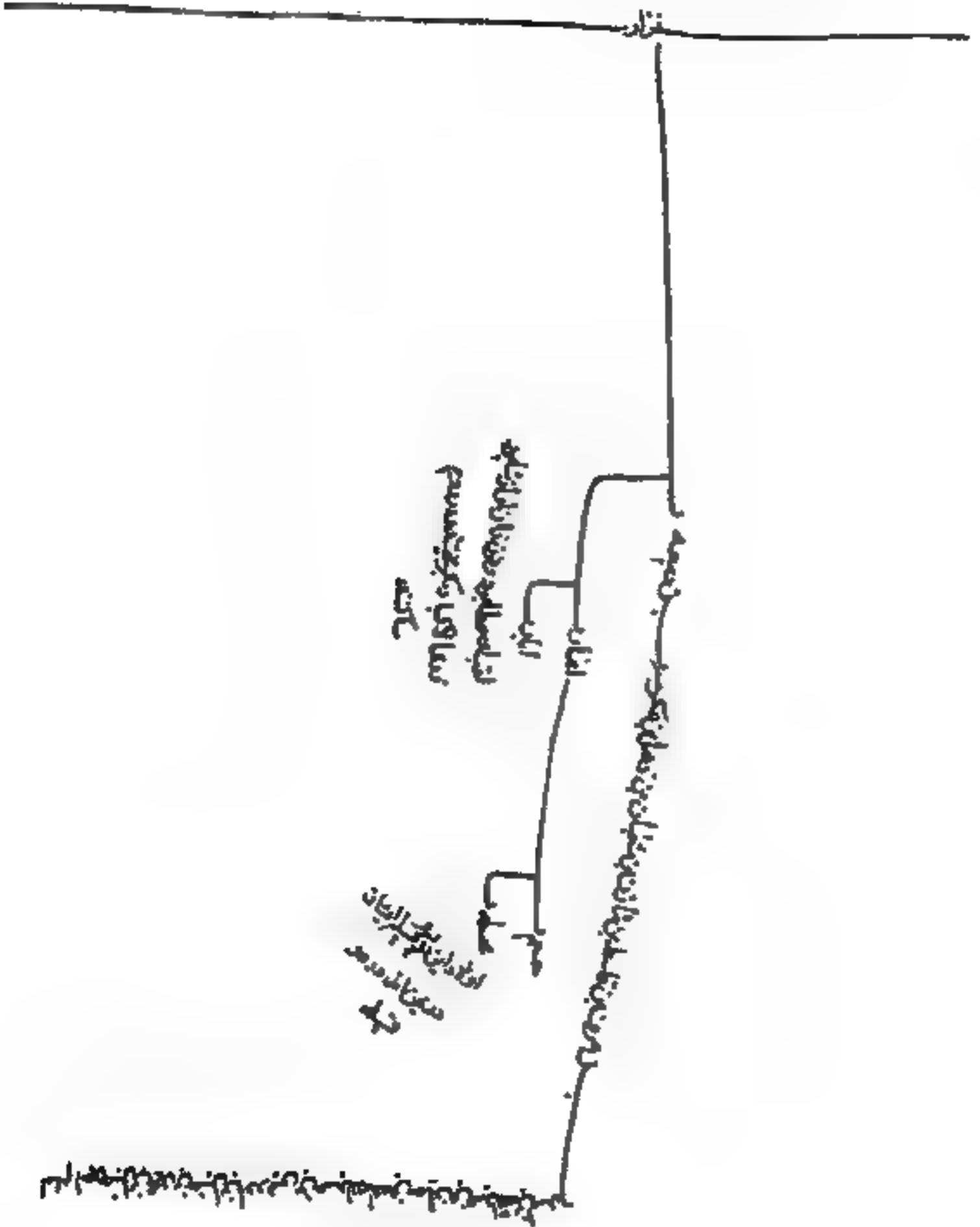
5

تادشپ بلنگا قشوم و داه و دندی و لدا آفت که کس و بجای خضادی لدا از پریان سفید دای تا آن شخص را اگر ملاقات
نیک بوی و پسندیده سلاطین و بزرگان بوی و معنی و مفه شاد و دشت باشد که میان قریش و جمع کردی و در جای دهم خانه خرم
و دانه خرم را دارا شده نام نانا چون حضرت رسالت مصلی ﷺ علیه آله رفع مکر شد و سوم جامعیت را برانداخت و الله اعلم
بالتواب

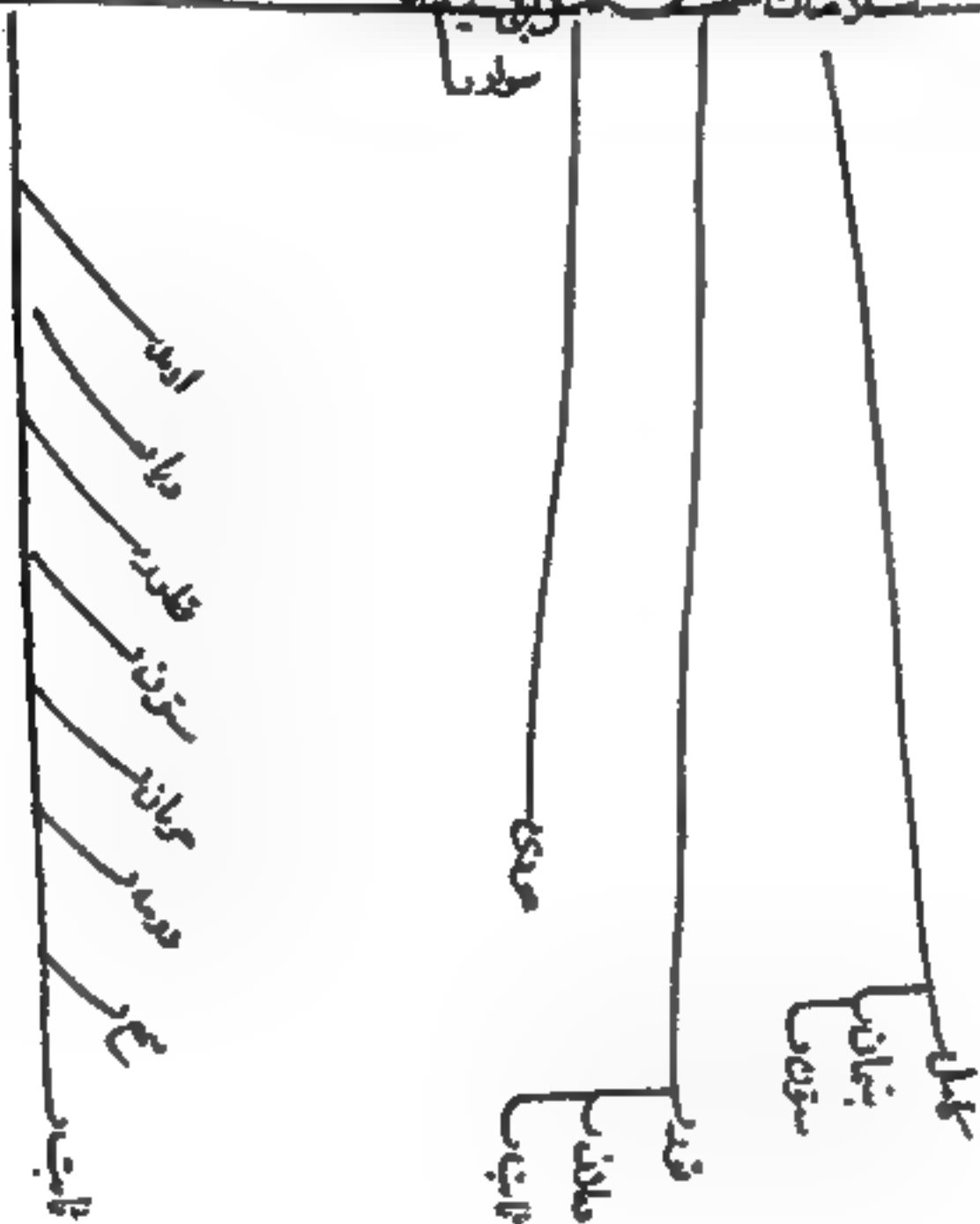


[illegible]

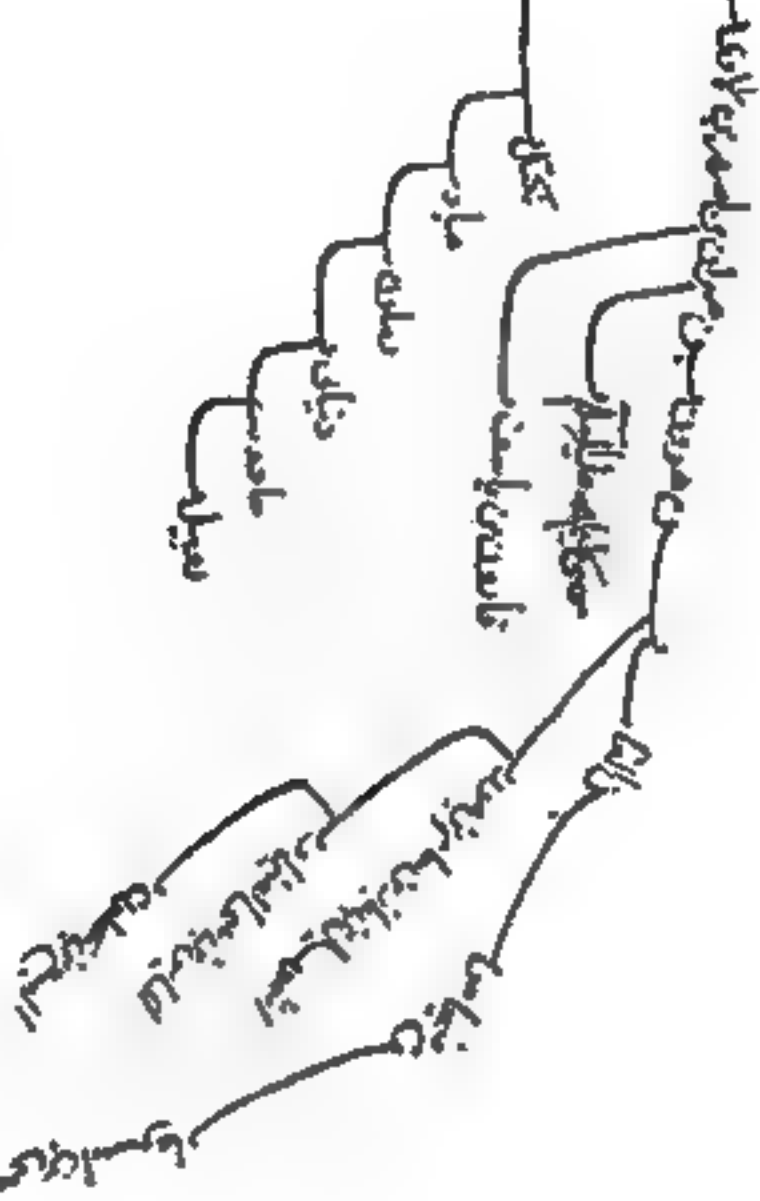
و بعد از این که چویم را از فرزندان فساد کوفت اعرابی بهمانی ما آید من اودا تمکین کردم و قوس خود شد و من این معنی را با آن شخص گفتم
 فرزند او فراموشد اظهار کرده ام پس چون دروغ شده از این افساس حکم کرد و گفت شکار من عالم تزیید و از حکم من مستغنی گشت از این حیوان
 جماعتی سخن محاسنت در میان باشد احتیاج بحکم دیگری هست که در هم خود حکمی بیجان کرد و مانند دیکه قبحکم نصبت بد آمده ایم و تقصیر
 انحراف کشته و نه بیلوا و در دنیا کت هر چه دینار مانده است بخور و مانند هر چه از جلیش او به دکان مانده است و بهر را دهید و هر چه
 سفید و در هم و خلام مانده است بایاد و دهید و اگر کوشت و طب باشد بایاد و سلم و درید و بر این آفتی شد و در بطن خود رجوع نمودند

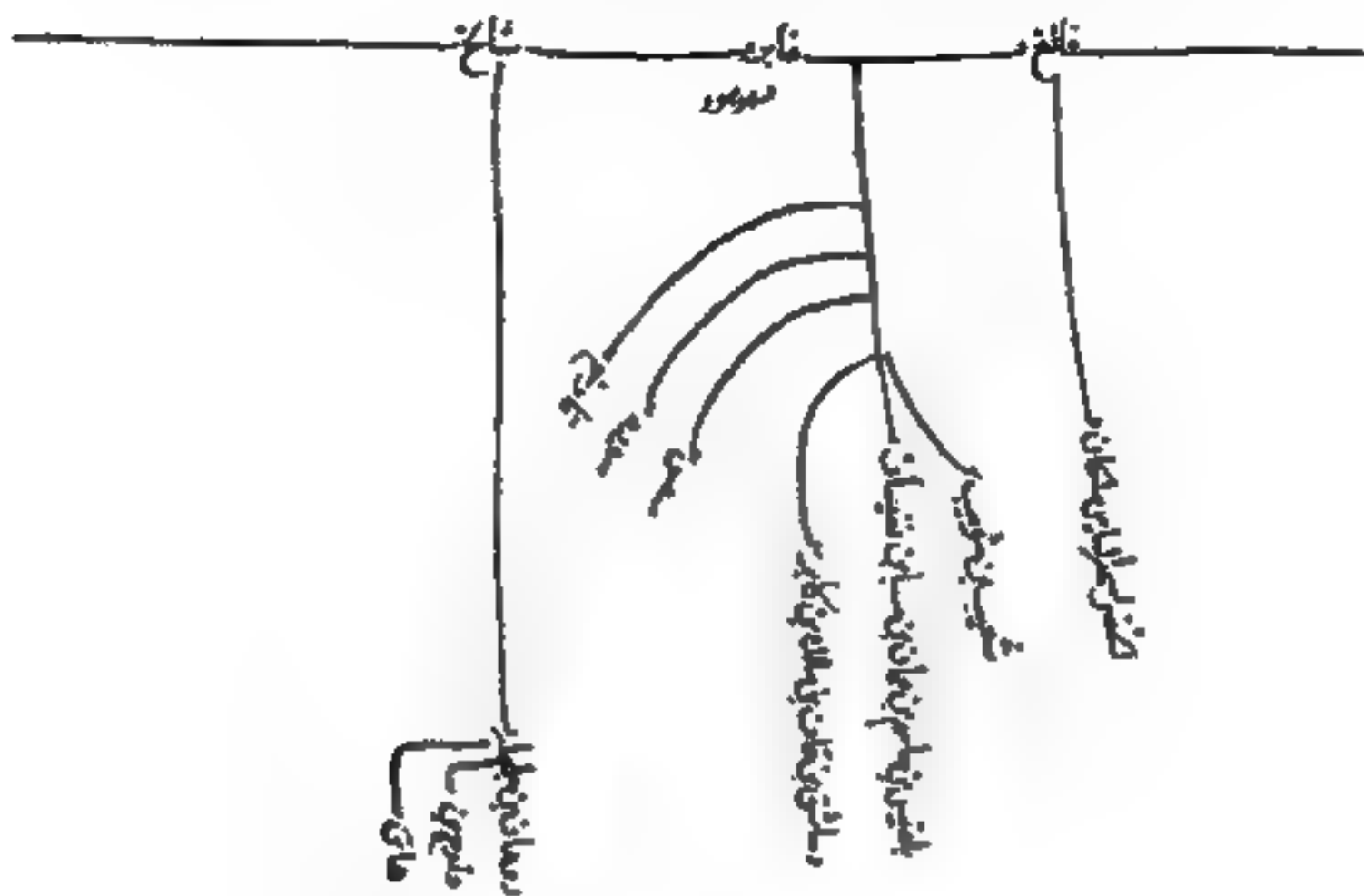


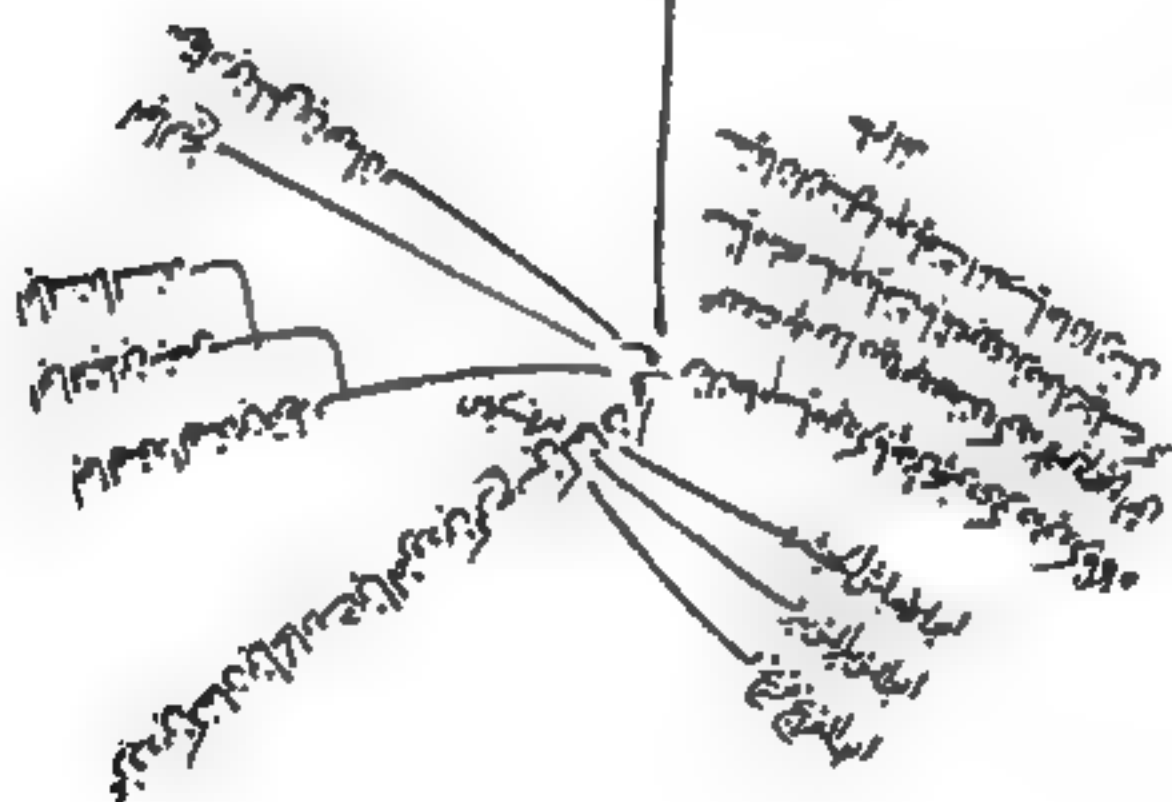
سلامان النفس من حلال بقی بلاد

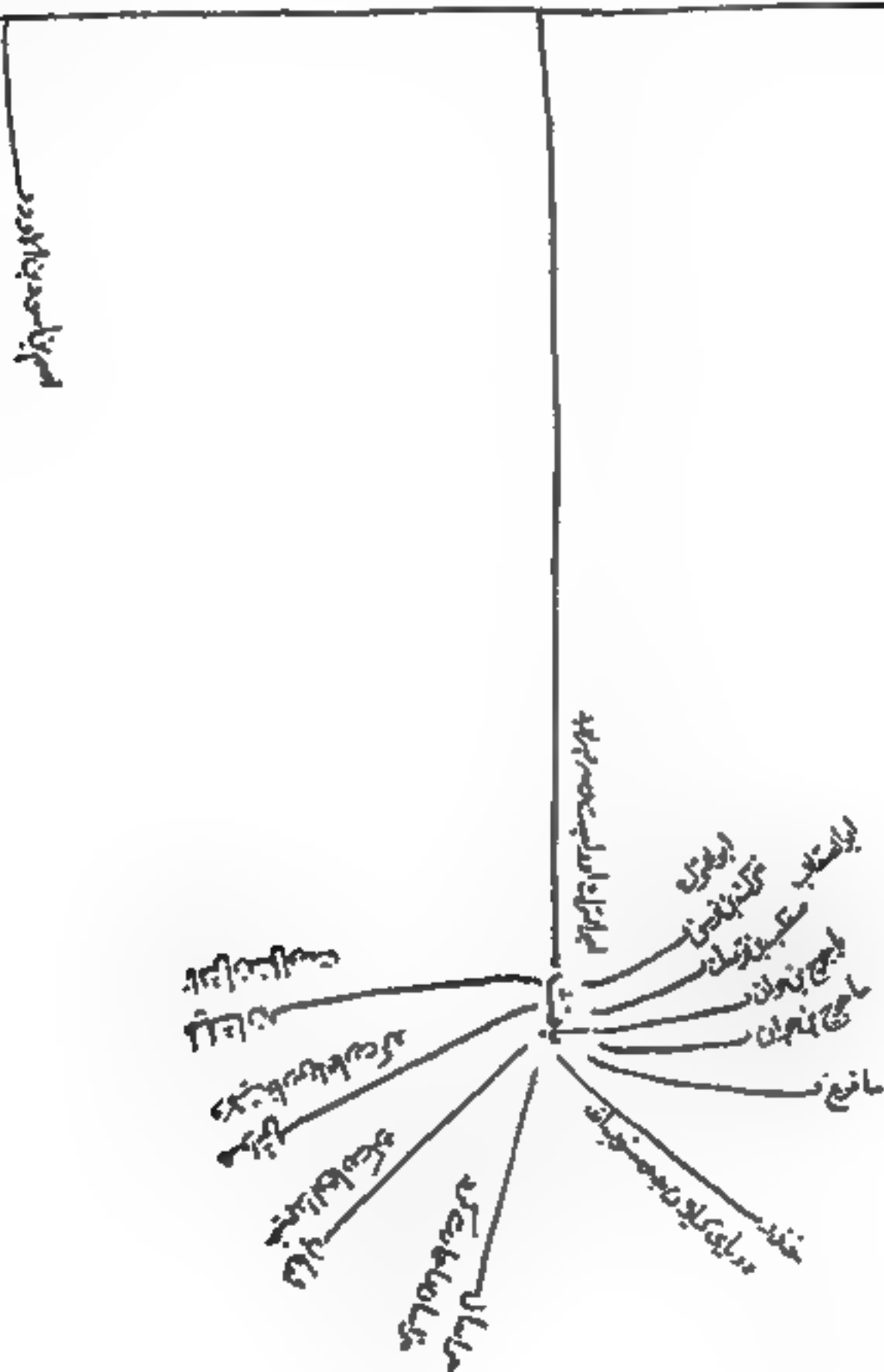


عزیز بن اسیر حسن جو دما بن طینقا بن ملون بن شاه و فزین احطی بن اسیر بن عودیا





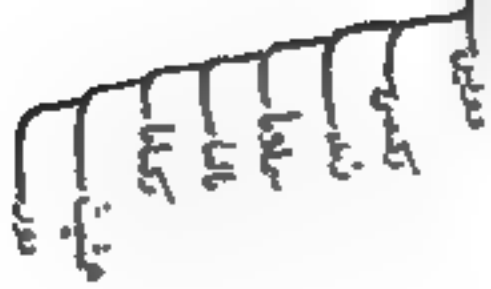




ن سلا شیل

تکیم مقام پیشه و در مقامان او بجا آورده ایشان را در مددی ازین
پراکنده کرده اند و چون با اولاد شریف و درین دم پیشست و شریفی که
باینجا کرده و از آن پیشتر هر قضا حتر بودند با شاق را امر می شد و
فردیغ سال بود

تکیم مقام پیشه و در مقامان او بجا آورده ایشان را در مددی ازین
پراکنده کرده اند و چون با اولاد شریف و درین دم پیشست و شریفی که
باینجا کرده و از آن پیشتر هر قضا حتر بودند با شاق را امر می شد و
فردیغ سال بود



چند

فنان و مدبر بود و حکم صلیت تا یم مقام اشد
 من عفت و ماکر شد و لایل در و چو آید و فرزان
 و حکم داشت و دست مرا و نمود و ده سال ابد و طول
 بود و متاوی حشمت و شرف و پنج سال

جلاری
فاریانی
طیور
عمیانی
سندیانی
سکانی
روقی

افش

لغزش و لغام و چه بود و او را کسی که در وقت خفا قتل نمودند
چون خود سال رشید قیام و در وجه آمد و بپوشانید و بعد
خود سال دوری دید و نزد سالک و در اوایل از برای الهامی مردم
لغز که گرفت و بپوشانید و تا آن که خود را با صفا
بین سال الهامی بدید و در نزد سالک بسیار رشید و مضمون
چند ساله را در او روشن بنمایم بود و علی السلام و او را کسی که در
کوچه و روی ایشان بود و در سالک

جیون
ہومیل
ہیٹات
ہیٹات
ہیٹات

حضرت رسالت شش هزار و صد و دو سال و شش ماه و ده روز باشد، و در دیوان النسب آورده‌اند که نوح را چهار پسر بود، به وقت خود گفته خواهد شد، و الله اعلم بالصواب، و الیه المرجع والمآب، والحمد لله رب العالمین .

تمام شد مقابله کتاب با دو نسخه دیگر، و مواردی از آن با قلم تصحیح شد، و مواردی از آن قابل تصحیح نبود و به حال خود گذاشته شد، در رور پنجم ماه محرم الحرام سنه (۱۴۲۹) هجری قمری، بر دست ابن فقیر ناچیز سید مهدی رجائی، در بلدة مقدسه قم حرم اهل بیت و عش آل محمد علیهم السلام .

فهرست کتاب

۳	مقدمه محقق، پیرامون کتاب
۴	نکته قابل توجه پیرامون وقفنامه کتاب
۱۳	مقدمه مؤلف
۱۷	أعقاب أمراء مکه
۲۱	أعقاب قتاده اولین امیر مکه
۴۰	أعقاب عبدالله بن موسى الجون
۴۲	أعقاب ابراهیم بن موسى الجون
۴۴	أعقاب محمد نفس زکیه
۴۵	أعقاب ابراهیم قتیل باخرا
۴۷	أعقاب یحیی صاحب دیلم
۴۹	أعقاب ادريس بن عبدالله المحض
۵۵	أعقاب قاسم رسی
۵۶	أعقاب ابراهیم الغمر
۵۷	أعقاب حسن مثلث
۵۹	أعقاب داود بن حسن مثنی
۶۳	أعقاب جعفر بن حسن مثنی

- ٦٤ أعقاب حسن مثنى
- ٦٩ أعقاب عبد الرحمن شجرى
- ٧٦ أعقاب محمد بطحاني
- ٧٧ أعقاب علي بن الحسن بن زيد بن الحسن ؑ
- ٧٨ أعقاب حسن بن زيد بن الحسن ؑ
- ٧٩ أعقاب زيد بن الحسن
- ٨١ أعقاب جعفر ثواب ابن امام هادي ؑ
- ٨٢ أعقاب موسى المبرقع ابن امام جواد ؑ
- ٨٦ أعقاب ابراهيم ابن امام موسى الكاظم ؑ
- ٨٨ أعقاب محمد عابد ابن امام موسى الكاظم ؑ
- ٨٩ أعقاب جعفر ابن امام موسى الكاظم ؑ
- ٩٠ أعقاب زيد ابن امام موسى الكاظم ؑ
- ٩١ أعقاب عبدالله ابن امام موسى الكاظم ؑ
- ٩٣ أعقاب عبيد الله ابن امام موسى الكاظم ؑ
- ٩٤ أعقاب حمزة ابن امام موسى الكاظم ؑ
- ٩٥ أعقاب إسحاق وهارون ابني امام موسى الكاظم ؑ
- ٩٦ أعقاب امام موسى الكاظم ؑ
- ١٠٠ أعقاب اسماعيل اعرج ابن امام جعفر صادق ؑ
- ١٠٣ أعقاب علي عريضي ابن امام جعفر صادق ؑ
- ١٠٦ أعقاب محمد ديباج ابن امام جعفر صادق ؑ
- ١٠٧ أعقاب اسحاق مؤتمن ابن امام جعفر صادق ؑ

فهرست کتاب ۲۹۵

أعقاب امام جعفر صادق عليه السلام ۱۰۸

أعقاب عبدالله باهر ابن امام سجّاد عليه السلام ۱۱۱

أعقاب ابو محمد حسن فارس ۱۱۳

أعقاب ابو علي عمر شريف ۱۱۵

أعقاب حسين نسابه ۱۱۶

أعقاب علي كتيله ۱۲۰

أعقاب حسين سخطه ۱۲۱

أعقاب محمد الأصغر اقساسي ۱۲۵

أعقاب حسين قعد ۱۲۸

أعقاب حسين ذى الدمه بن زيد شهيد ۱۲۹

أعقاب حسين غضاره ۱۳۱

أعقاب عيسى مؤتم الأشبال بن زيد شهيد ۱۳۴

أعقاب محمد بن زيد شهيد ۱۳۷

أعقاب زيد شهيد ابن امام سجّاد عليه السلام ۱۳۹

أعقاب عمر اشرف ابن امام سجّاد عليه السلام ۱۴۵

أعقاب أمراء مدينه ۱۴۷

أعقاب يحيى نسابه ۱۵۲

أعقاب جعفر الحجه ۱۵۳

أعقاب مختاريهاى عبيدلى حسيني ۱۵۴

أعقاب ابوالعلاء مسلم احول ۱۶۳

أعقاب محمد جواني ۱۷۰

- ۱۷۱ أعقاب عبيد الله اعرج
- ۱۷۷ أعقاب حسين اصغر ابن امام سجادة عليه السلام
- ۱۸۶ أعقاب علي اصغر ابن امام سجادة عليه السلام
- ۱۸۷ أعقاب امام سجادة عليه السلام
- ۱۹۱ أعقاب محمد حنفية ابن امام علي عليه السلام
- ۱۹۴ أعقاب ابو الفضل العباس ابن امام علي عليه السلام
- ۱۹۹ أعقاب عمر اطرف ابن امام علي عليه السلام
- ۲۰۲ أعقاب عقيل بن ابي طالب
- ۲۱۲ أعقاب جعفر بن ابي طالب
- ۲۲۳ أعقاب عبدالله بن عباس
- ۲۲۷ أعقاب عباس بن عبد المطلب
- ۲۳۹ أعقاب پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله
- ۲۴۲ أعقاب عبد المطلب جد پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله
- ۲۴۴ أعقاب هاشم
- ۲۵۵ أعقاب بنی أمیه
- ۲۵۷ سلسله نسب پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله
- ۲۶۲ سلسله نسب قصی تا عدنان
- ۲۷۰ سلسله نسب عدنان تا حضرت نوح عليه السلام
- ۲۸۳ سلسله نسب نوح تا حضرت آدم عليه السلام
- ۲۹۳ فهرست کتاب